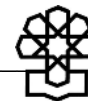


بررسی وضعیت برخی متغیرهای
اقتصاد کلان ایران
(حوزه‌های فرابخشی)
(ویرایش دوم)

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۶	مقدمه
۶	۱. رشد اقتصادی
۱۴	۲. محیط کسب و کار
۲۰	۳. اشتغال
۲۴	۴. توزیع درآمد
۲۶	۵. نقدینگی و تورم
۳۴	۶. بازار سرمایه
۳۵	۷. ارز
۳۷	۸. تجارت خارجی
۴۰	۹. بودجه
۴۶	۱۰. طرح‌های عمرانی
۵۰	۱۱. بدهی بخش دولتی
۵۴	۱۲. نظام اداری کشور
۵۹	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



بررسی وضعیت برخی متغیرهای اقتصاد کلان ایران (حوزه‌های فرابخشی) (ویرایش دوم)

چکیده

● رشد اقتصادی

میانگین رشد اقتصادی سال‌های اخیر در کشور در مقایسه با سال‌های مشابه قبل از آن کاهش یافته است (۳/۵۲ درصد در هشت سال اخیر در مقایسه با ۵/۷۳ درصد در هشت سال قبل از آن). رشد اقتصادی یکی از متغیرهای مهمی است که نشان می‌دهد در تعامل دولت - ملت، تعامل دولت - بازار، تعامل قوا با یکدیگر، تعامل کشور با سایر ممالک دنیا در بستر مناسبات نهادی و حقوقی کشور، تولید اقتصادی کشور تا چه حد ارتقا یافته است. کاهش نرخ رشد اقتصادی در سال‌های اخیر در واقع نتیجه نهایی تعامل‌های یاد شده است. طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۲ به‌طور متوسط به‌ازای هریک درصد رشد اقتصادی در هر سال ۲۲/۸ میلیارد دلار هزینه شده است (در دوره هشت ساله ۱۳۷۶-۱۳۸۴ این رقم ۴/۵ میلیارد دلار بوده است).

● محیط کسب‌وکار

مبتنی بر شاخص‌های بین‌المللی، رتبه کسب‌وکار در ایران در سال‌های اخیر نامناسب‌تر شده است هر چند که قبل از آن نیز وضعیت کسب‌وکار در کشور مناسب نبود. در بررسی‌هایی که مرکز پژوهش‌های مجلس به‌صورت پیوسته از اصناف و بخش خصوصی انجام داده است در ده فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۱ وضعیت کسب‌وکار در ایران بدتر از متوسط ارزیابی شده است.

● اشتغال

کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های داده‌های در دسترس در حوزه بازار کار، ارزیابی سطح اشتغال و بیکاری کشور را با مشکل روبرو کرده است. تغییر روند متغیرهای بازار کار در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۰ و آمار مخدوش و ناسازگار عرضه و تقاضای نیروی کار دو مسئله عمده در این مورد هستند.

در مطالعه بلندمدت بازار کار (۱۳۴۵-۱۳۹۰) مشاهده می‌شود که شاخص‌های بازار کار در دوره ۱۳۴۵-۱۳۸۵ تقریباً از یک روند منطقی و خاص برخوردار است که با وضعیت اقتصادی

کشور همخوانی دارد، اما به یکباره در بازه ۱۳۸۵-۱۳۹۰ روند ۴۰ ساله بازار کار ایران تغییر یافته است. به‌عنوان مثال نرخ رشد جمعیت فعال و نرخ رشد جمعیت شاغل در پنج سال اخیر به‌گونه‌ای کاملاً معنادار متفاوت از روند ۴۰ ساله قبل از آن است. اقتصاد ایران نمی‌تواند در ۵ سال چنین تغییر روندی در بازار کار خود تجربه کند.

عرضه نیروی کار سالیانه کشور در بازه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ حدود ۷۴۷ هزار نفر است، اما در بازه ۱۳۸۵-۱۳۹۰ با کاهش شدید به ۱۲۷ هزار نفر می‌رسد. دلایل منطقی برای کاهش سالیانه بیش از ششصد هزار نفر در عرضه نیروی کار در پنج سال اخیر ارائه نشده است. همچنین افزایش تقاضای نیروی کار از ۲۰/۴۸ میلیون نفر در ۱۳۸۵ به ۲۰/۵۵ میلیون نفر در ۱۳۹۰ نمی‌تواند گویای تحولات بازار کار باشد. براساس این آمار ظرف ۵ سال مزبور، هر سال ۱۴ هزار شغل ایجاد شده است.

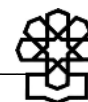
نکته دیگر ناسازگاری اطلاعات در دسترس می‌باشد. مبتنی بر طرح آمارگیری از نیروی کار، عرضه کل نیروی کار از ۲۳/۵ میلیون نفر در ۱۳۸۵ به ۲۳/۴ میلیون نفر در ۱۳۹۰، یعنی کاهش ۱۰۰ هزار نفری در پنج سال، رسیده است. در همین مدت و مبتنی بر منبع آماری ذکر شده تقاضای نیروی کار نیز از ۲۰/۸۴ میلیون نفر به ۲۰/۵۱ میلیون نفر، یعنی کاهش بیش از سیصد هزار نفری، رسیده است. این اطلاعات از نظر کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی نمی‌تواند گویای تحولات بازار کار باشد.

با ملاحظه اینکه سطح اشتغال ارتباط معناداری با نرخ رشد اقتصادی دارد، با ملاحظه کاهش نرخ رشد اقتصادی کشور در سال‌های اخیر می‌توان بیان کرد که سطح اشتغال کشور بسیار کمتر از اهداف برنامه‌های میان‌مدت بوده است.

• توزیع درآمد

مبتنی بر آمار رسمی، توزیع درآمد در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا نه ماهه اول ۱۳۹۱ بهبود یافته است. کاهش ضریب جینی، کاهش نسبت سهم هزینه بیست درصد بالا به بیست درصد پایین جامعه و کاهش سهم هزینه ده درصد بالا به ده درصد پایین جامعه از جمله شاخص‌هایی هستند که این موضوع را نشان می‌دهند.

مبتنی بر مطالعات انجام شده، سال اول اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، وضعیت دهک‌های آخر و اول بهبود یافته است و وضعیت دهک‌های میانی بدتر شده است. با این حال در نتیجه تورم ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ (به‌ویژه گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات) انتظار می‌رود که وضعیت رفاهی دهک اول نیز افت کرده باشد. همچنین در شرایط رکودی به‌دلیل افت بیشتر در درآمدهای گروه‌های



پردرآمد، توزیع متعادل‌تر می‌شود، اما فقر نیز به دلیل کاهش کمک‌های دولت به گروه‌های فقیر گسترش می‌یابد.

• تورم

شاخص قیمت در چهار سال اخیر روند صعودی داشته و هزینه زندگی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ در مقایسه با سال ۱۳۸۷ به ترتیب ۱/۵ و ۲ برابر شده است. علیرغم اینکه تورم در ایران به صورت نقطه به نقطه و سالیانه اعلام می‌شود، همبستگی تورم نقطه به نقطه با تورم سالیانه ۹۵ درصد است و با یک فصل تأخیر به ۹۸ درصد می‌رسد. بدین معنا که تغییرات تورم نقطه به نقطه بعد از یک فصل خود را در تورم سالیانه نشان می‌دهد. تورم نقطه به نقطه در خرداد ۱۳۹۲ از مرز ۴۰ درصد عبور کرده است. همچنین تورم در گروه کالا و گروه خدمات در خرداد ۱۳۹۲ به ترتیب ۵۸/۷ درصد و ۲۷/۳ درصد بوده است. افزایش نوسانات در تورم گروه کالا به نوسانات نرخ ارز ارتباط دارد. در شرایط کنونی افزایش هزینه‌های تولید و افزایش تقاضای کل عمده‌ترین علل تورم هستند. پرداخت یارانه نقدی، رشد نقدینگی، استفاده از درآمدهای نفت در بودجه از جمله موارد مؤثر در طرف تقاضا و افزایش تحریم‌های اقتصادی از جمله عوامل طرف عرضه است.

• بازار سرمایه

نهادسازی در بازار سرمایه در سال‌های اخیر (از جمله جداسازی سازمان بورس از شرکت بورس، تأسیس شرکت فرابورس، تأسیس شرکت بورس کالای ایران، معرفی معاملات آتی، تأسیس شرکت‌های تأمین سرمایه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، تصویب قانون بازار اوراق بهادار و قانون توسعه ابزارها و نهادها) باعث شده است که بازار سرمایه در مقایسه با سال‌های قبل از آن، عملکرد مناسبی داشته باشد. با این حال تعمیق بازارهای سرمایه، سازوکار احقاق حقوق سهامداران جزء، سازوکار نظارت بر معاملات و ارتقای شفافیت اطلاعات از جمله محورهایی است که در آینده می‌تواند ظرفیت بازار سرمایه را در کشور افزایش دهد.

• ارز

به‌رغم هدفگذاری برنامه چهارم توسعه مبنی بر کنترل تورم و سپس تعدیل نرخ ارز متناسب با تفاوت تورم داخلی و خارجی، دولت در طول اجرای برنامه چهارم توسعه ۱۳۸۴-۱۳۸۹ اقدام به ثابت نگهداشتن نرخ ارز کرد که در نتیجه آن سطح واردات به شدت افزایش و مخارج دولت به قیمت اسمی نیز گسترش یافت. با شدت گرفتن تحریم‌های اقتصادی و در نتیجه محدود شدن درآمدهای ارزی بحران سقوط ارزش پول ملی آغاز شد که با سوءمدیریت در حوزه ارز همراه شد و در نتیجه

ظرف دو سال اخیر ارزش پول ملی به‌طور رسمی ۱۷۰ درصد کاهش یافت (این کاهش با در نظر گرفتن نرخ آزاد ارز به ۲۱۷ درصد می‌رسد)

نتیجه این امر بر هم خوردن چشم‌انداز سرمایه‌گذاری‌های مولد، وخامت اوضاع رفاهی خانوارها و افزایش هزینه‌های جاری و عمرانی دولت در اثر افزایش نرخ ارز است که انتظار می‌رود کنترل این آثار در کوتاه‌مدت به یکی از دغدغه‌های اصلی دولت جدید تبدیل شود.

• تجارت

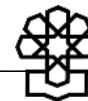
در سال‌های اخیر (از جمله در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۸۳)، تراز تجاری ایران (بدون احتساب نفت و سایر کالاهای مرتبط با نفت که در بخش کالاهای غیرنفتی وجود دارند) منفی بوده است. رابطه مبادله بازرگانی کشور (نسبت ارزش یک تن کالای صادراتی به یک تن کالای وارداتی) نیز همچنان کمتر از ۰/۴ است (۰/۳۵ در سال ۱۳۹۱ و ۰/۳۷ در سال ۱۳۸۳ که نشان تضعیف رابطه مبادله بازرگانی است). در بخش صادرات، صادرات خدمات فنی و مهندسی رشد قابل ملاحظه‌ای در سال‌های اخیر داشته است. در مجموع کل تجارت کشور در سال‌های اخیر افزایش یافته، اما ساختار تجارت در کشور تقریباً ثابت مانده است به‌گونه‌ای که نفت و کالاهای وابسته به آن سهم عمده صادرات را تشکیل می‌دهند و ساختار واردات (سهم کالاهای اولیه، واسطه‌ای و نهایی) نیز در سال‌های اخیر تقریباً ثابت مانده است.

• بودجه

بودجه عمومی دولت طی هشت سال اخیر بیش از دو برابر افزایش یافته است، اما قدرت خرید اعتبارات هزینه‌ای و عمرانی در این سال‌ها کاهش یافته است و بخش مهمی از افزایش هزینه‌های دولت در اثر تورم مستهلک شده است.

در سال‌های اخیر، کسری بودجه بدون نفت دو برابر شده است. کسری بودجه بدون نفت مبتنی بر رهیافت‌های بیماری هلندی و نفرین منابع، آثار زیانباری بر اقتصاد ملی دارد. همچنین کسری تراز عملیاتی چهار برابر شده با این حال سهم مالیات در تأمین منابع عمومی تقریباً ثابت مانده (حدود ۲۵ درصد) و ظرفیت نظام مالی کشور تغییر اساسی نیافته است. به‌طور مشخص برای سال ۱۳۹۲ کسری بودجه‌ای در حدود ۵۳۶ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی می‌شود. همچنین به دلیل عدم استفاده از نظام حسابداری تعهدی، حجم تعهدات و بدهی‌های دولت به بخش خصوصی که به‌صورت مداوم انباشته می‌شود، مشخص نیست.

در اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها نیز منابع حاصله، تقریباً کفاف ۵۰ درصد از پرداخت‌های نقدی را داده است.



• طرح‌های عمرانی

در بازه زمانی ۱۳۸۱-۱۳۹۱ (یازده‌ساله اخیر)، براساس قوانین بودجه، پیش‌بینی شده بود که بیش از ۲۲۰۰ هزار میلیارد ریال اعتبار به طرح‌های عمرانی تخصیص یابد که در عمل حدود ۱,۵۰۰ هزار میلیارد ریال تخصیص یافته است. پیش‌بینی شده بود که حدود ۵۵۴۰ طرح عمرانی به بهره‌برداری برسد که فقط حدود ۱۴۰۰ طرح به اتمام رسیده و در مقابل ۱۶۰۰ طرح جدید نیز کلید خورده‌اند. مهمتر اینکه اعتبار لازم برای اتمام طرح‌ها در طی زمان افزایش یافته است و این امر نشان می‌دهد که فاز صفر مطالعاتی طرح‌های عمرانی، یعنی ارزیابی فنی، اقتصادی، مالی و زیست‌محیطی طرح‌های عمرانی به شدت ناکارآمد است و تأثیر عوامل غیرکارشناسی بر ارزیابی مذکور غلبه داشته است. بدین معنا که پیش‌بینی شده بود برای ۵۵۴۰ طرحی که قرار بود به اتمام برسند، اعتبار لازم در حدود ۲۹۰ هزار میلیارد ریال باشد، اما اعتباری که مازاد بر آن برای این طرح‌ها تخصیص داده شده حدود ۶۸۰ هزار میلیارد ریال بوده است که در نتیجه آن نیز فقط ۱۴۰۰ طرح (که اعتبار آنها نیز ۴۵ هزار میلیارد ریال بوده است) به اتمام رسیده است. در واقع از ۱۵۰۰ هزار میلیارد ریالی که در بازه زمانی ۱۳۸۱-۱۳۹۱ برای طرح‌های عمرانی تخصیص داده شده است حدود ۶۳۵ هزار میلیارد ریال (بیش از ۴۰ درصد کل اعتبارات تخصیص داده شده) به طرح‌هایی اختصاص داده شده است که باید به اتمام می‌رسیدند اما همچنان نیمه‌تمام هستند.

• بدهی بخش دولتی

بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی از حدود ۲۳۵ هزار میلیارد ریال در ۱۳۸۳ به حدود ۱۲۸۰ هزار میلیارد ریال در ۱۳۹۱، بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی از حدود ۱۳۰ هزار میلیارد ریال در ۱۳۸۳ به حدود ۷۵۰ هزار میلیارد ریال در ۱۳۹۱ و بدهی بخش دولتی به بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی از حدود ۱۰۰ هزار میلیارد ریال در ۱۳۸۳ به حدود ۵۳۰ هزار میلیارد ریال در ۱۳۹۱ رسیده است. تا سال ۱۳۸۸ تقریباً افزایش بدهی‌های مذکور با روند ملایم افزایش یافته اما به یکباره در سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ افزایش شدید در این بدهی‌ها اتفاق افتاده است. بدهی بخش دولتی به بخش غیردولتی به دلیل حاکم نبودن سیستم حسابداری تعهدی شفاف نیست اما برآوردهای اولیه رقمی در حدود ۵۲۰ هزار میلیارد ریال است. بدین ترتیب مجموع بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی، بانک مرکزی، بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی و بخش غیردولتی در سال ۱۳۹۱ معادل ۲۷۸۰ هزار میلیارد ریال برآورد می‌شود.

• نظام اداری

نظام اداری کشور دارای اشکالات ساختاری است که در دوره‌های مختلف برای رفع آنها اقدامات مختلفی شده است. در سال ۱۳۸۶ قانون خدمات کشوری به تصویب رسید، اما ارزیابی عملکرد اجرای آن حاکی از آن است که همانند قبل به تدریج دستگاه‌ها خود را به انحای مختلف از آن استثنا کرده‌اند و در نهایت نظام پرداخت مد نظر قانون مادر به تدریج کارآمدی خود را از دست داده است. در زمینه ساختار تشکیلات دولت، فعالیت به ادغام وزارتخانه‌های «راه و شهرسازی»، «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» و «صنعت، معدن و تجارت» محدود شد. لوایح وظایف و اختیاراتی که برای این وزارتخانه‌ها به مجلس ارائه شده است نشان می‌دهد که دولت به دنبال افزایش وظایف این وزارتخانه‌های جدید بوده و این امر دقیقاً برخلاف فلسفه وجودی این ادغام‌هاست. در حوزه دولت الکترونیک در سال ۲۰۱۲، رتبه شانزدهم میان کشورهای موضوع سند چشم‌انداز داشته است. همچنین طرح مهرآفرین به رغم وجود ایرادات شورای نگهبان و مجلس به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده است. این طرح نیز برخلاف روند چابک‌سازی دولت و قوانین فرادستی است و سالیانه بار مالی در حدود ۱۵۰۰۰ میلیارد تومان به دولت تحمیل خواهد کرد.

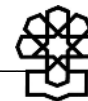
مقدمه

در این گزارش، وضعیت برخی از حوزه‌های فرابخشی اقتصاد ایران در سال‌های اخیر، شامل رشد اقتصادی، فضای کسب‌وکار، اشتغال، توزیع درآمد، نقدینگی و تورم، بازار سرمایه، تجارت خارجی، بودجه، طرح‌های عمرانی، بدهی بخش دولتی و نظام اداری بررسی شده است. طبیعی است که بررسی کامل متغیرهای اقتصاد ایران به بررسی جامع حوزه‌های سیاستگذاری امور بخشی و فرابخشی نیاز دارد.

بررسی وضعیت موجود، تحلیل وضعیت موجود و ارائه برخی ملاحظات کلی برای سیاستگذاری، اهداف سه‌گانه تدوین این گزارش بوده است.

۱. رشد اقتصادی

ارزیابی عملکرد اقتصاد کشور در زمینه توسعه تولید ملی در هر زمان باید در چارچوب شناخت وضعیت کلی فعالیت‌های اقتصادی در ایران و جهان انجام شود. اینکه صرف نرخ رشد مورد توجه قرار بگیرد، به واقع نوعی ساده‌نگری و بازی با ارقامی است که از یکسو هنوز انتشار رسمی نیافته



است و از سوی دیگر صحت آن با عنایت به گفته‌های ضدونقیض، مورد تردید است. قابل توجه است که مبنا قرار دادن هر دوره یا هر دولت دیگری به‌عنوان پایه مطلوبیت عملکرد یک دولت و بهینه بودن مدیریت اقتصاد، فرضی نادرست است که نمی‌توان از آن دفاع کرد. به فرض که دولت‌های نهم و دهم حتی بهتر از دولت‌های هفتم و هشتم مدیریت کرده باشند، هنوز مطلوبیت مدیریت اقتصادی آنها را نمی‌توان تأیید کرد. بهتر بودن مدیریت اقتصادی باید برپایه معیارهای شناخته شده‌ای صورت گیرد که قابل دستکاری نباشد.

معیار برآزندگی مدیریت اقتصادی در زمینه رشد اقتصادی این است که نشان داده شود در هر دوره، مدیریت اقتصادی توانسته است رشد را به حد توان رشد پایدار^۱ برساند: یعنی مقدار منابعی که به هر ترتیب تلف شده و صرف رشد اقتصادی نشده است، به کمترین حد محدود شده است. معیار پایداری به این معناست که تخریب در زمینه‌های محاسبه نشده در نرخ رشد نباید آنقدر گسترده شود که نرخ رشد آینده را تحت تأثیر خود قرار دهد.

برای روشن شدن عملکرد دولت‌های نهم و دهم در زمینه رشد اقتصادی لازم است دوره فعالیت این دولت‌ها مشخص شود. این که تصور شود سال ۱۳۸۴ به‌طور کامل به دولت نهم تعلق دارد، بسیار دور از واقعیت است. اگرچه شروع دوره فعالیت هر دولت در ۱۲ مرداد سال تحلیف است، در بهترین حالت فقط نیمی از عملکرد سال تحلیف را می‌توان به پای دولت مربوطه نوشت. حتی بهتر است فرض شود که فقط فصل چهارم سال به آن دولت تعلق دارد. با این اوصاف دست‌کم وقتی رشد اقتصادی دولت نهم مدنظر قرار بگیرد، نرخ متوسط رشد (میانگین حسابی) دوره عبارت است از:

$$\text{متوسط رشد در دولت نهم} = (۵۰ \text{ درصد رشد سال } ۱۳۸۴ + \text{رشد سال } ۱۳۸۵ + \text{رشد سال } ۱۳۸۶ + \text{رشد سال } ۱۳۸۷ + ۵۰ \text{ درصد رشد سال } ۱۳۸۸) \text{ تقسیم بر چهار}$$

با استفاده از همین منطق، برآورد رشد متوسط در دولت دهم عبارت است از:

$$\text{متوسط رشد در دولت دهم} = (۵۰ \text{ درصد رشد سال } ۱۳۸۸ + \text{رشد سال } ۱۳۸۹ + \text{رشد سال } ۱۳۹۰ + \text{رشد سال } ۱۳۹۱ + ۵۰ \text{ درصد رشد سال } ۱۳۹۲) \text{ تقسیم بر چهار}$$

دوره زمانی هر دولت باید با دقت مشخص شود و در این دوره، کل رشد مدنظر قرار بگیرد. این تصور که دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ مبنای محاسبه عملکرد دولت‌های نهم و دهم باشد، در واقع خلاف‌گویی است زیرا محاسبه رشد این دو دوره دولت به‌شرح زیر باید باشد:

متوسط رشد در دولت‌های نهم و دهم = (۵۰ درصد رشد سال ۱۳۸۴ + رشد سال ۱۳۸۵ + رشد سال ۱۳۸۶ + رشد سال ۱۳۸۷ + رشد سال ۱۳۸۸ + رشد سال ۱۳۸۹ + رشد سال ۱۳۹۰ + رشد سال ۱۳۹۱ + ۵۰ درصد رشد سال ۱۳۹۲) تقسیم بر هشت

از این دوره در واقع سال ۱۳۹۱ و نیمسال ۱۳۹۲ هنوز هیچ رقم رسمی و اعلام شده‌ای از طرف مراجع رسمی کشور ندارد که این امر ارزیابی قابل اعتنا از عملکرد مجموع دولت‌های نهم و دهم را مخدوش می‌سازد.

برآورد عملکرد دولت‌های نهم و دهم در چارچوب رشد اقتصادی با استفاده از ارقام جدول زیر انجام شده است. همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، ارقام رشد اقتصادی مربوط به دو سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در دست نیست و باید از برآوردهای موجود در جهان استفاده کرد زیرا حذف این دو سال سبب می‌شود که بخش حساسی از دوره فعالیت دولت دهم از قلم بیفتد و ارزیابی وضعیت اقتصاد در دوره دولت دهم مخدوش شود. قابل توجه است که کم‌وبیش مراجع مختلف همین ارقام را ارائه داده‌اند، ولی تمام برآوردهای ارائه شده توسط سازمان‌های بین‌المللی و خارجی، با فرض تورم حدود ۲۵ درصد بوده است، حال آن که بدون تردید تورم سال ۱۳۹۱ کشور بیش از آن بوده است و هیچ مرجعی هم انتظار ندارد که دولت جدید بتواند نرخ تورم را برای سال ۱۳۹۲ در حد ۲۵ درصد نگاه دارد. به عبارت دیگر، برآوردهای ارائه شده را باید برآوردهای خوش‌بینانه از وضع کشور دانست.

جدول ۱. نرخ رشد اقتصادی در دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۲

سال	نرخ رشد اقتصادی (درصد)	مرجع اعلام رقم رشد
۱۳۸۴	۶/۱۹	مرکز آمار ایران
۱۳۸۵	۷/۳۲	مرکز آمار ایران
۱۳۸۶	۷/۸۴	مرکز آمار ایران
۱۳۸۷	۰/۸۳	مرکز آمار ایران
۱۳۸۸	۳/۱۶	مرکز آمار ایران
۱۳۸۹	۶/۳۸	مرکز آمار ایران
۱۳۹۰	۳/۲۰	مرکز آمار ایران
۱۳۹۱	-۳/۰۰	واحد اقتصادی اکونومیست + بانک جهانی
۱۳۹۲	-۱/۳۰	واحد اقتصادی اکونومیست + بانک جهانی

با این اوصاف، بهترین برآورد متوسط رشد اقتصادی کشور در حد ۳/۵۲ درصد در طول دوره دولت‌های نهم و دهم است. اگر با روش مشابه رشد اقتصادی دولت‌های قبل محاسبه شود، رقم رشد به‌طور متوسط به ۵/۷۳ درصد می‌رسد. بنابراین تفاوت رشد حاصل از عملکرد دولت‌های



نهم و دهم به طور مشهودی کمتر از رشد حاصل از عملکرد دولت‌های هفتم و هشتم است.

۱-۱. ارزیابی مطلوبیت عملکرد رشد اقتصادی

برای نمایش مطلوبیت عملکرد اقتصاد کشور، لازم است معیارهای پایداری^۱ و استفاده درست از امکانات کشور لحاظ شود. در این راستا، یکی از معیارهای به نسبت ساده این است که دیده شود هر یک از دوره‌ها، دولت‌ها چه مقدار منابع نفتی در اختیار داشته‌اند و چه مقدار منابع ارزی را بابت این رشد هزینه کرده‌اند. در بهترین حالت باید کل منابع ارزی تحت اختیار اقتصاد در هر زمان مدنظر باشد. در این باره از تعریف زیر استفاده شده است:

کل منابع ارزی تحت اختیار اقتصاد در هر زمان = منابع پیش‌بینی شده بابت سهم دولت در بودجه از محل صادرات نفت + کل دریافت ارزی حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات + کل منابع برداشت شده از موجودی‌های ارزی کشور (شامل ذخایر ارزی، صندوق توسعه ملی، حساب ذخیره ارزی و...) + کل منابع دریافتی از خارج به صورت وام، سپرده و انتقالات - کل منابع پرداختی به خارج بابت بازپرداخت وام و اعتبار

در این مورد هم پس از محاسبه مقدار منابع ارزی تحت اختیار اقتصاد ملی در هر سال، باید از روش تقسیم درآمد در سال شروع و پایان هر دولت استفاده کرد و به شیوه ذکر شده در بالا، منابع ارزی تحت اختیار اقتصاد کشور در هر دوره را محاسبه نمود. مشکلی که در این محاسبه بروز می‌کند این است که در مورد ذخایر ارزی و برداشت‌های مختلف دولت‌ها از حساب‌های ارزی مطالبی ضدونقیض اعلام کرده است و سند رسمی هم برای تأیید ارقام وجود ندارد. در مورد برداشت‌های احتمالی و غیرقانونی دولت دهم از صندوق توسعه ملی، حتی نمایندگان مجلس ابراز نگرانی کرده‌اند. موجودی صندوق توسعه ملی که آقای احمدی‌نژاد اعلام نمود با آنچه آقای بهمنی رئیس کل بانک مرکزی به فاصله چند ساعت اعلام کرد، متجاوز از ۱۰ میلیارد دلار تفاوت دارد.^۲ در همین راستا رقم صادرات غیرنفتی طبق اعلام گمرک کشور با ارقام ثبت شده در نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی بیش از ۳۰ درصد اختلاف دارد. در مورد بازپرداخت وام و بدهی به خارج

1. Sustainability

۲. مصاحبه آقای رئیس‌جمهور با صداوسیما در ۱۲ تیرماه و مصاحبه رئیس کل بانک مرکزی با خبرنگاران پس از جلسه هیئت وزیران در همان روز.

نیز به‌تازگی بانک جهانی نیز اعلام کرده است که ایران اقساط وام خود را پرداخت ننموده است. هیچ سندی وجود ندارد که نشان دهد چه مقدار انتقال صورت گرفته و چه مقدار از اقساط معوق شده است. در این صورت بدون حسابرسی دقیق این انتقالات ارزی را نمی‌توان تأیید کرد و با حدس هم فقط بر مشکل برآورد اضافه می‌شود.

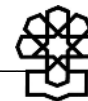
آنچه کار را به‌مراتب دشوارتر می‌کند این است که درآمد نفت کشور هم در سال‌های اخیر انتشار پیدا نکرده است. با وجود این، برای سهولت کار فقط با استناد به متون مختلف بین‌المللی، می‌توان برآورد صادرات نفتی کشور برای سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ را به‌دست آورد. در مورد رقم سال ۱۳۹۱ برآورد کم‌وبیش قابل قبول است، زیرا مسئولان هم در مواردی در سخنان خود به تغییراتی اشاره کرده‌اند که درآمد حاصل از صادرات نفت را بین ۳۵ تا ۴۵ درصد کاهش داده است. در محاسبات هم فقط دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت مدنظر قرار گرفته است که قابل اتکاترین رقم مجموعه ذکر شده است.

وقتی دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت مدنظر قرار بگیرد (با تعریف قبلی)، در دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۲ به‌طور متوسط به‌ازای هریک درصد رشد اقتصادی در هر سال، ۲۲/۸ میلیارد دلار هزینه شده است. برآورد مشابه برای دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۴، رقم درآمد ارزی نفت به‌ازای هر یک درصد رشد به‌طور متوسط معادل ۴/۵ میلیارد دلار بوده است. این وضع نشان می‌دهد که در طول دولت‌های نهم و دهم، استفاده از منابع ارزی مولد نبوده است. به روایت دیگر، روش هزینه کردن ارز در کشور به‌شدت نابهینه بوده است و بخش بزرگی از فرصت‌های توسعه‌ای در اقتصاد کشور به‌دلیل همین مدیریت ناکارآمد، از دست رفته است.

این نگرانی وقتی شدت می‌یابد که در نظر گرفته شود که ارزش پول ملی هم در کشور در دوره دولت‌های نهم و دهم بیش از دوره دولت قبل افت داشته است. به این ترتیب، موضوع نادرستی مدیریتی ارزی فقط در بخش تخصیص نبوده و در زمینه قیمتگذاری هم ناکارایی مشهود وجود داشته است.

لازم به ذکر است که نمی‌توان درآمدهای نفتی را با معیارهایی مانند قیمت طلا به‌عنوان واحد شمارش، برآورد کرد زیرا اگر واحد شمارش ارزش، بجای دلار آمریکا، یک اونس طلای خالص باشد، قیمت‌های جهانی کالا و خدمات نیز باید براساس یک اونس طلای خالص ذکر شود. نباید تصور کرد که هر معیار که بتواند نوعی برابری بین دریافتی‌های حاصل از فروش نفت در چند دوره مختلف، ایجاد کند، معیاری است که بتواند برای توجیه عملکرد استفاده شود.

اگر قرار باشد قدرت خرید دلار آمریکا نیز در هر دوره مطرح شود، باید از شاخص قدرت



خرید بین‌المللی دلار یا دلار بین‌المللی به قیمت ثابت^۱ استفاده شود. این شاخص را بانک جهانی محاسبه می‌کند و به‌سادگی می‌توان ارزش محصول ناخالص داخلی کشور برحسب دلار بین‌المللی را به‌دست آورد یا دریافتی حاصل از صادرات نفت کشور را به دلار بین‌المللی ثابت محاسبه کرد. در همین چارچوب می‌توان شاخص ارزش صادرات کشور را نیز به‌عنوان مبنای ارزش قرار داد. اگر این معیارها مبنای قرار بگیرد، هنوز تعدیلی که در هزینه ارزی هریک درصد رشد انجام می‌شود، نمی‌تواند تفاوت مشهود ذکر شده در بالا را پوشش بدهد.

حال اگر قرار باشد وضعیت مدیریت اقتصادی در یک دوره، با استناد به نرخ رشد اقتصادی مقایسه شود، مبنای قضاوت باید این باشد که در کدام دوره منابع به استفاده بهینه خود نزدیکتر بوده است: یعنی اینکه در کدام دوره رشد اقتصادی در حد توان رشد قرار داشته و فرصت‌های از دست رفته کمتر بوده است.

دست‌کم با بررسی مقدار ارز لازم برای دستیابی به ۱ درصد رشد اقتصادی می‌توان گفت که عملکرد دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۲ بسیار ابهام‌آمیز است. درست است که تحریم اقتصادی هزینه ارزی را افزایش داده است (که البته این امر در دو سال اخیر شدت یافته است)، ولی آیا می‌شود گفت که هزینه‌های ارزی در نتیجه تحریم بیش از چهار برابر شده است؟ با عنایت به اینکه مسئولان دولت تا همین اواخر، بارها اعلام کرده بودند که تحریم بر اقتصاد کشور هیچ اثری نداشته است، شاید نتوان گفت که چهار برابر شدن هزینه، فرضی منطقی است.

نتیجه بررسی این است که اگرچه نمی‌توان با دقت دید که هریک از دولت‌ها تا چه اندازه به مرز رشد پایدار بهینه نزدیک شده‌اند، دست‌کم با استفاده از معیار ارز استفاده شده برای دستیابی به هر واحد رشد، می‌توان گفت که عملکرد دولت‌های نهم و دهم قابل دفاع نیست.

۲-۱. نکاتی درباره رشد اقتصادی

الف) اثر سقوط قیمت نفت: یکی از موضوعات مطرح شده در مورد افت نرخ رشد اقتصاد کشور در سال‌های اخیر این بوده است که چون سقوط قیمت نفت در اختیار دولت نیست، افت رشد بر اثر یک عامل برونزا انجام شده است. بنابراین افت برخاسته از کاهش دریافتی‌های بخش نفت را نباید به پای دولت نوشت.

این موضوع که یک دولت وابسته به دریافتی‌های حاصل از صادرات یک منبع ثروت تمام شدنی، نتواند مدیریت ذخایر خود را با عنایت به روند انتظاری در قیمت‌های جهانی انجام دهد،

1. Constant International US \$

به‌واقع یک نمونه مشخص از ناکفایتی مدیریت اقتصادی است. ابتکار تشکیل صندوق ذخیره ارزی و پیش از آن حساب ذخیره ارزی برای آن بوده است که نوسان‌های بازار نفت اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار ندهد و به رشد اقتصادی آسیب نرساند. حال اگر دولتی بدون عنایت به این پوشش‌های قانونی، با مصرف بیش از حد در پوشش‌های مختلف، پشتوانه کافی ایجاد نکند و هیچ برآوردی هم از روند انتظاری دریافتی‌های نفتی در آینده نداشته باشد، آیا می‌شود گفت که تخریب نرخ رشد به دلیل افت قیمت نفت به دولت هیچ ربطی ندارد؟ بدون تردید هیچ محقق متخصصی نمی‌تواند دولتی را که چنین رفتاری را نشان داده است، از افت رشد در جریان افت دریافتی‌های نفتی، مبرا بداند.

رعایت منطق اقتصادی نگاهداری صندوق‌های ثروت حاکمیتی در تمام جهان امروز برای ایجاد نوعی ثبات در روند رشد و توسعه اقتصادی کشورها است. با همین منطق است که در کشورهای مختلف جهان، صندوق‌های ثروت ملی هرگز بخشی از دولت محسوب نمی‌شود و مدیریت فرادولتی دارد.

ب) شناخت دلایل رشد اقتصادی: شناخت دلایل رشد اقتصادی در کشورهای مختلف با استفاده از حسابداری رشد^۱ انجام می‌شود. در جریان حسابداری رشد، عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی، از جمله ویژگی‌های هویتی دولت‌ها، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بدون استفاده از حسابداری رشد، نمی‌توان گفت که تفاوت رشد اقتصادی در دو دولت، به‌خوبی یا بدی هر یک از آن دو دولت بستگی داشته است.

ج) محصول ناخالص داخلی بدون نفت: برخی بر این باورند که منابع طبیعی، مانند نفت، را نمی‌توان در چارچوب حسابداری ملی براساس دستورالعمل سازمان ملل متحد ارزیابی و محاسبه کرد. در این راستا معیاری با عنوان محصول ناخالص داخلی بدون نفت محاسبه می‌شود که از نظر ماهوی معیاری بسیار گمراه‌کننده است، زیرا فقط ارزش‌افزوده بخش نفت از محاسبات خارج شده است، ولی معنای حاصل محاسبات این نیست که اقتصاد بدون نفت چه جایگاهی داشته است. زمانی مفهوم واقعی اقتصاد بدون نفت را می‌توان محاسبه کرد که تمام ارزش‌های نفتی هم از مجموعه خارج شود حال آنکه چنین کاری در محاسبه محصول ناخالص داخلی بدون نفت انجام نمی‌شود. با این اوصاف نمی‌توان گفت که چون نفت با افت قیمت مواجه شده است و ارزش‌افزوده بخش نفت از مجموعه ارزش‌افزوده کل اقتصاد خارج شده است، باقی مانده می‌تواند معیاری برای ارزیابی اقتصاد باشد.

این گفته بدان معناست که مقایسه رشد محصول ناخالص داخلی بدون نفت نمی‌تواند نشان‌دهنده رشد بخشی از اقتصاد باشد که از نفت متأثر نشده است. در هر صورت، همانطور که در مورد مقایسه رشد گفته شد، مقایسه رشد محصول ناخالص داخلی بدون نفت نیز هیچ مدرکی



برای برتری یک دوره بر دوره دیگر به دست نمی‌دهد و درواقع مقایسه‌ای ناروا برای ارزیابی عملکرد دولت‌هاست.

د) روش علمی اثبات تفاوت ارقام رشد: نکته مهم دیگری که باید به آن اشاره شود این است که حتی مقایسه رشد می‌توانست پذیرفته شود، هنوز باید ثابت شود که تفاوت دو نرخ رشد از نظر آماری معنادار است. بدون اثبات این معناداری، هر نوع قضاوت در مورد رشد اقتصادی در دو دوره مختلف فقط نمایشی و فاقد وجاهت علمی است. بنابراین ذکر این نکته که رشد یک دوره ۰/۱ درصد با رشد دوره دیگر تفاوت دارد و این تفاوت دلیل بهتر بودن یک دوره نسبت به دوره دیگر است، از نظر علمی نادرست و فاقد منطق است. وقتی این نوع نتیجه‌گیری‌ها انتشار داده می‌شود، یگانه برداشتی که محققان می‌توانند از آن داشته باشند این است که گوینده تلاش می‌کند جامعه را جاهل بشمارد و با آگاهی از جهل عمومی برای منافع خود گام برمی‌دارد.

ه) رکود جهانی به‌عنوان عامل اثرگذار بر افت رشد اقتصادی: یکی دیگر از موضوعات مورد بحث اثر رکود جهانی بر اقتصاد کشور است. (قابل توجه است که در زمان بروز بحران مالی جهانی، مسئولان دولت بارها اعلام کردند که رکود جهانی بر اقتصاد ایران هیچ تأثیری ندارد). اگر اثر ویژه‌ای در مورد رکود جهان مطرح است، باید مورد و ماهیت تأثیر ذکر شود. متأسفانه گزارش مشخصی از طرف دولت انتشار نیافته است که نشان دهد رکود جهانی ممکن است اثری بر اقتصاد ایران داشته باشد و این اثر ممکن است با استفاده از سیاست‌هایی تا حدی کنترل شود؟ وقتی خود دولت وجود رکود را نفی کرده و در هر صورت هیچ اقدامی برای خنثی کردن تأثیرهای احتمالی آن انجام نداده است، چگونه می‌تواند مدعی شود که تأثیر منفی رکود بر رشد کشور، در اختیار دولت نبوده است؟ این موضوع را می‌توان با این تأکید بیان کرد که درواقع هیچ سندی وجود ندارد که نشان دهد مسئولی در دولت اثر رکود اقتصادی را ناخوشایند تشخیص داده و به فکر چاره مشکل بوده است.

لازم به تذکر است که در مورد اثر رکود جهانی هم باید وضعیت داخلی اقتصاد کشور پیش از رکود مطرح شود. اقتصاد ایران، حتی پیش از آن که بحران مالی جهانی رخ دهد، به عارضه بحران بانکی فراگیر مبتلا بود که تحقیقات نشان می‌دهد مسئولان این بحران را نادیده گرفته بودند. تمام عارضه‌های یک بحران برخاسته از عملکرد اقتصاد ملی در بخش بانکی، پیش از بروز بحران مالی جهانی، مشاهده می‌شد ولی نه مقام پولی و نه هیچ مسئولی در بخش مالی کشور، موضوع را جدی تلقی نکرد. این که چقدر از رکود مشهود در اقتصاد ایران مستقل از رکود جهانی بوده است، موضوعی است که باید با دقت به آن پرداخته شود. نتیجه آنکه ابعاد هر یک از این موضوع‌ها باید با دقت بررسی و مطالعه شود و با گفتار نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد.

و) استناد به تحولات خرد و بخشی برای اثبات مزیت در سطح کلان: در برخی موارد با استناد به آمارهای موردی مربوط به سطح خرد یا در بهترین حالت، مربوط به یک بخش اقتصاد، تلاش می‌شود که بالاتر بودن سطح تولید اثبات شود. از نظر منطق اقتصادی، اگر یک بخش یا یک بنگاه کارکرد بسیار خوبی داشته باشد، نمی‌توان نتیجه گرفت که کل اقتصاد در وضعیت خوبی قرار داشته است. سطح حضور دولت‌ها، سطح کلان است و بنابراین ارزیابی‌های مربوط به عملکرد دولت‌ها هم باید در سطح کلان انجام شود.

مثال مشخص مقایسه موردی، ظرفیت بنگاه‌های تولید محصولات پتروشیمی در کشور است. به فرض که این ظرفیت حتی صد برابر شده باشد، چگونه می‌توان نتیجه گرفت که اقتصاد رشد کرده است؟ آیا ممکن نیست ظرفیت تولید محصول دیگری در مقیاسی به مراتب بزرگتر، افت کرده باشد؟ از روی رفتار یک یا چند بخش نمی‌توان گفت کل اقتصاد عملکرد تولیدی برتری داشته است.

با همین نگرش می‌توان درباره مقایسه رقم سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های صنعتی در دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۳ با دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ بررسی کرد. در حالتی بسیار غیرمتعارف دو رقم سرمایه‌گذاری و تعداد بنگاه‌ها در دو دوره از نظر عدد برابرند ولی ادعا می‌شود ارقام مربوط به دوره دوم پنج برابر ارقام مربوط به دوره نخست با قیمت‌های جهانی است!! مشخص نیست این استنتاج از کجا ناشی شده است. به فرض که در واقع ارقام سرمایه‌گذاری چندین برابر هم شده باشد، چطور تورم ایران نادیده گرفته می‌شود. قیمت دلار آمریکا در سال ۱۳۵۷ هر دلار معادل ۷۰/۶ ریال بوده است که در سال ۱۳۹۱ بیش از ۲۰۰ برابر شده است. آیا نباید انتظار داشت رقم سرمایه‌گذاری به قیمت‌های جاری رشد حیرت‌انگیز داشته باشد؟^۱

۲. محیط کسب‌وکار

محیط کسب‌وکار ملی به مجموعه عوامل مؤثر بر اداره یا عملکرد بنگاه‌ها در یک کشور گفته می‌شود که تقریباً خارج از کنترل مدیران بنگاه‌ها قرار دارند. محیط کسب‌وکار از مناظر و رویکردهای متفاوتی سنجیده می‌شود نظیر آزادی کسب‌وکارها، ثبات اقتصاد کلان، مناسب بودن قوانین و مقررات و اجرای مؤثر آنها، امنیت اقتصادی و

۱. در مورد معدن هم با اشاره به سرمایه‌گذاری دولت در بخش معدن و مقایسه رقم سرمایه‌گذاری با آن چه در دولت‌های پیشین انجام شده نتیجه‌گیری می‌شود که دولت‌های اخیر به معدن بیش از دولت‌های پیشین اهمیت می‌داده‌اند. به فرض که رقم جاری سرمایه‌گذاری بتواند ملاک باشد، هنوز رقم سرمایه‌گذاری نمی‌تواند نشان‌دهنده بازده سرمایه‌گذاری باشد. یکی از مشکلات اقتصاد ایران وجود میلیاردها ریال سرمایه‌گذاری بی‌حاصل و کم‌بازده است که بخش بزرگی از آن حتی تکمیل نشده است.



بهبود محیط کسب و کار می‌تواند انگیزه و بستر لازم برای سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی را فراهم کند و باعث رشد اقتصادی و اشتغال شود. محیط کسب و کار نامناسب نیز معمولاً باعث سرکوب انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری، فرار سرمایه‌ها و زیرزمینی یا غیررسمی شدن فعالیت‌های اقتصادی می‌شود.

۲-۱. ارزیابی‌های بین‌المللی و داخلی محیط کسب و کار ایران

در حال حاضر، چندین گزارش بین‌المللی و حداقل یک گزارش داخلی به‌طور مستمر وضعیت محیط کسب و کار در ایران را اندازه‌گیری می‌کنند و نتیجه را به‌صورت رتبه ایران در مقایسه با سایر کشورها یا کمیتی در مقایسه با بهترین وضعیت کسب و کار اعلام می‌کنند. مشهورترین گزارش‌هایی که محیط کسب و کار را در ایران به‌طور مستمر ارزیابی می‌کنند، عبارتند از: گزارش رقابت‌پذیری جهانی (WCR) گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی (WB-EDB)، گزارش بین‌المللی حقوق مالکیت (IPIR)، شاخص حکمرانی خوب (GGI) و گزارش پایش محیط کسب و کار (جداول ۲ و ۳).^۱

جدول ۲. عملکرد دولت نهم و دهم از منظر بهبود محیط کسب و کار در نماگرهای حکمرانی خوب (از ۲/۵- تا ۲/۵+)

شاخص	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
حق پاسخگویی و اظهارنظر	-۱/۵	-۱/۴۹	-۱/۴۸	-۱/۴۹	-۱/۵۶	-۱/۵۵
ثبات سیاسی	-۱/۲۹	-۱/۱۹	-۱/۱۳	-۱/۵۲	-۱/۵۸	-۱/۴۵
اثربخشی دولت	-۰/۶۷	-۰/۶۷	-۰/۷۵	-۰/۷۴	-۰/۵	-۰/۴۶
بار مقررات	-۱/۵۶	-۱/۶۴	-۱/۷	-۱/۷۴	-۱/۶۹	-۱/۶۸
حاکمیت قانون	-۰/۸۷	-۰/۸۹	-۰/۸۲	-۰/۹	-۰/۹۲	-۰/۹۰
کنترل فساد	-۰/۴۹	-۰/۴۷	-۰/۷۲	-۰/۸۳	-۰/۹۲	-۰/۹۱

Source: Worldwide Governance Indicators.

۱. لازم به یادآوری است برخی گزارش‌های بین‌المللی نظیر گزارش آزادی اقتصادی (تحت نظر بنیاد هریتیج)، در این گزارش مورد اشاره و استناد قرار نگرفته‌اند.

جدول ۳. رتبه ایران در شاخص‌های بین‌المللی محیط کسب‌وکار

سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
شاخص								
سهولت کسب‌وکار بانک جهانی	از ۱۵۵ تا ۱۰۸	از ۱۷۵ تا ۱۱۹	از ۱۷۸ تا ۱۳۵	از ۱۸۱ تا ۱۴۲	از ۱۸۳ تا ۱۳۷	از ۱۸۳ تا ۱۲۹	از ۱۸۳ تا ۱۴۴	از ۱۸۵ تا ۱۴۵
رقابت‌پذیری	-	-	-	-	-	از ۱۳۹ تا ۶۹	از ۱۴۲ تا ۶۲	از ۱۴۲ تا ۶۶
حقوق مالکیت	-	-	-	-	-	-	از ۱۳۰ تا ۱۰۷	از ۱۲۹ تا ۱۰۹
حکمرانی خوب				از ۱۷۹ تا ۱۵۱			از ۱۷۹ تا ۱۶۷	-

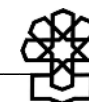
مأخذ: گزارش مؤسسه‌های ارائه‌دهنده.

گزارش پایش محیط کسب‌وکار در ایران که از پاییز ۱۳۸۹ به‌طور مستمر و فصلی در مرکز پژوهش‌های مجلس تهیه می‌شود، ارزیابی حدود ۳۰۰ تشکل اقتصادی سراسر کشور را از مؤلفه‌های ملی محیط کسب‌وکار ایران ارائه می‌دهد (جدول ۴).

نتایج کلی این سلسله گزارش‌ها نشان می‌دهد از نظر تشکل‌های اقتصادی که در این مطالعه مشارکت می‌کنند، طی پاییز ۱۳۸۹ تا زمستان ۱۳۹۱ در همه ده دوره‌ای که این مطالعه انجام شده، محیط کسب‌وکار ایران بدتر از متوسط ارزیابی شده^۱ و روند ارزیابی‌ها نوسان داشته است.

جدول ذیل برآیند ارزیابی تشکل‌های اقتصادی از ۲۲ مؤلفه ملی محیط کسب‌وکار در ایران در ده فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۱ را به تفکیک نشان می‌دهد.

۱. ارزیابی به‌صورت عددی بین صفر تا ۱۰ بیان می‌شود که عدد صفر به معنای بهترین حالت و عدد ۱۰ نشانگر بدترین شرایط محیط کسب‌وکار است. ارزیابی تشکل‌ها در تمامی فصول بیشتر از ۵ (میانگین) بوده است.



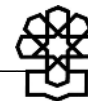
جدول ۴. برآیند ارزیابی تشکلهای اقتصادی مشارکت‌کننده در مطالعات فصلی پایش محیط کسب‌وکار ایران از ۲۲ مؤلفه ملی محیط

کسب‌وکار در ایران طی پاییز ۱۳۸۹ تا زمستان ۱۳۹۱^۱

عنوان		زمستان ۱۳۹۱		پاییز ۱۳۹۱		تابستان ۱۳۹۱		بهار ۱۳۹۱		زمستان ۱۳۹۰		پاییز ۱۳۹۰		تابستان ۱۳۹۰		بهار ۱۳۹۰		زمستان ۱۳۸۹		پاییز ۱۳۸۹		
تعداد تشکلهای مشارکت‌کننده		۲۹۰		۲۸۵		۳۰۱		۲۶۹		۲۰۹		۲۵۱		۲۷۴		۲۳۹		۱۹۷		۱۹۰		
مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار (به ترتیب ارزیابی نامساعد در تابستان ۱۳۹۱)		رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	رتبه	ارزیابی	
بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه		۱	۸/۰۱	۱	۷/۹۵	۱	۸/۱۶	۱	۷/۳۱	۲	۷/۴۴	۲	۶/۳۳	۴	۶/۳۷	۵	۶/۱۶	۴	۶/۱۶	۴	۵/۹۹	۶
مشکل دریافت تسهیلات از بانکها		۲	۷/۵۱	۲	۷/۶۶	۲	۷/۶۱	۲	۷/۷۹	۱	۷/۶۱	۱	۷/۶۹	۱	۷/۶۳	۱	۷/۳۱	۱	۷/۳۱	۱	۷/۸۵	۱
اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان		۳	۶/۸۶	۳	۷/۰۷	۳	۷/۱۴	۳	۶/۷۶	۴	۶/۷۴	۳	۶/۱۵	۵	۶/۲۰	۶	۵/۸۶	۶	۵/۷۹	۸	۵/۹۳	۱۱
ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی		۴	۶/۸۲	۴	۶/۷۹	۴	۶/۷۸	۴	۶/۷۷	۳	۶/۷۲	۴	۶/۳۷	۳	۶/۶۵	۳	۶/۷۱	۳	۶/۷۸	۳	۷/۲۰	۳
تثبیت نرخ ارز با وجود تورم در داخل و ثبات قیمت‌ها در بازارهای هدف		-	-	-	-	-	۶/۴۴	۵	۶/۲۵	۷	۶/۲۵	۵	۶/۲۵	۵	۵/۶۸	۱۰	۵/۵۱	۱۳	۴/۷۶	۱۶	۵/۴۸	۱۵
بی‌ثباتی قوانین و مقررات مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری		۵	۶/۴۸	۵	۶/۶۸	۵	۶/۳۲	۶	۶/۱۱	۸	۵/۷۳	۹	۵/۴۱	۱۵	۵/۹۴	۸	۵/۳۷	۱۳	۵/۵۷	۱۲	۶/۳۴	۶
قیمتگذاری غیرمنطقی محصولات تولیدی توسط دولت و نهادهای حکومتی		۸	۶/۱۰	۸	۶/۳۴	۶	۶/۲۹	۷	۶/۶۲	۶	۵/۸۹	۸	۵/۸۴	۸	۵/۷۳	۱۱	۶/۸۶	۷	۵/۳۷	۱۳	۶/۱۵	۸
وجود مفسد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی		۹	۶/۱۰	۹	۶/۱۸	۷	۶/۲۶	۸	۵/۹۵	۹	۵/۶۱	۱۰	۶/۰۰	۷	۵/۸۴	۹	۵/۶۸	۹	۵/۹۰	۷	۶/۴۵	۵
نرخ بالای بیمه اجباری نیروی انسانی		۷	۶/۱۱	۷	۶/۰۰	۸	۶/۲۵	۹	۶/۶۶	۵	۶/۲۱	۶	۶/۵۵	۲	۶/۶۰	۴	۶/۸۲	۲	۶/۹۷	۲	۷/۲۹	۲
بی‌تعهدی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به پرداخت به‌موقع بدهی خود به پیمانکاران		۶	۶/۲۳	۶	۵/۷۳	۱۰	۶/۰۶	۱۰	۵/۵۷	۱۲	۵/۹۹	۷	۶/۰۳	۶	۷/۰۰	۲	۵/۸۹	۵	۶/۳۲	۵	۶/۲۸	۷
زیاد بودن تعطیلات رسمی		۱۰	۵/۵۱	۱۰	۵/۸۴	۹	۵/۹۱	۱۱	۵/۷۶	۱۱	۵/۵۲	۱۳	۵/۶۶	۱۲	۵/۷۴	۱۰	۵/۸۰	۸	۶/۳۹	۴	۷/۰۴	۴
محدودیت قانون کار در تعدیل و جابجایی نیروی کار		۱۱	۵/۳۳	۱۱	۵/۵۱	۱۱	۵/۴۹	۱۲	۵/۹۳	۱۰	۵/۴۵	۱۴	۵/۶۷	۱۱	۵/۹۹	۷	۵/۵۴	۱۰	۵/۷۲	۹	۶/۰۲	۱۰
ضعف دادرها در رسیدگی مؤثر به شکایت‌ها و اجبار طرف‌های قرارداد به انجام تعهدات		۱۲	۵/۳۲	۱۲	۵/۳۷	۱۳	۵/۴۶	۱۳	۵/۴۸	۱۳	۵/۲۰	۱۵	۵/۴۹	۱۴	۵/۳۴	۱۶	۵/۵۲	۱۱	۵/۵۸	۱۱	۵/۸۹	۱۲

۱. بهترین ارزیابی (یک) حالتی که مؤلفه‌ها اثری در اداره بنگاه‌ها داشته‌اند و بدترین ارزیابی (۱۰) حالتی که بنگاه‌ها به دلیل آثار مخرب عوامل خارجی از کنترل‌شان در حال تعطیل شدن قرار دارند.

پاییز ۱۳۸۹		زمستان ۱۳۸۹		بهار ۱۳۹۰		تابستان ۱۳۹۰		پاییز ۱۳۹۰		زمستان ۱۳۹۰		بهار ۱۳۹۱		تابستان ۱۳۹۱		پاییز ۱۳۹۱		زمستان ۱۳۹۱		عنوان
۱۳	۵/۶۹	۱۰	۵/۶۹	۱۲	۵/۵۲	۱۲	۵/۶۸	۹	۵/۷۲	۱۲	۵/۵۶	۱۴	۵/۴۸	۱۴	۵/۴۵	۱۲	۵/۴۴	۱۴	۵/۱۴	برگشت چک‌های مشتریان و همکاران
۱۴	۵/۵۶	۱۵	۴/۹۲	۱۴	۵/۳۱	۱۵	۵/۳۵	۱۳	۵/۵۵	۱۱	۵/۵۷	۱۶	۵/۲۰	۱۵	۴/۹۹	۱۴	۵/۳۱	۱۳	۵/۱۶	تولید کالاهای غیراستاندارد، تقلبی و عرضه نسبتاً بدون محدودیت آن به بازار
۱۶	۵/۱۳	۱۴	۵/۳۲	۱۶	۴/۸۴	۱۷	۴/۷۸	۱۷	۵/۱۸	۱۷	۴/۹۰	۱۷	۵/۱۴	۱۶	۵/۸۵	۱۶	۵/۰۴	۱۵	۵/۱۳	عرضه کالاهای خارجی قاچاق در بازار داخلی
۱۹	۴/۷۸	۲۱	۴/۲۹	۱۹	۴/۳۴	۱۹	۴/۵۹	۱۹	۴/۵۷	۱۹	۴/۶۴	۱۸	۴/۹۸	۱۷	۴/۷۷	۱۵	۵/۱۰	۱۶	۴/۸۵	موانع تعرفه‌ای صادرات محصولات و واردات مواد اولیه
۱۷	۴/۸۵	۱۷	۴/۷۶	۱۸	۴/۶۹	۱۴	۵/۴۴	۱۶	۵/۳۳	۱۶	۴/۸۱	۱۵	۵/۲۳	۱۸	۴/۶۹	۱۹	۴/۵۴	۱۷	۴/۶۹	تعرفه پایین کالاهای وارداتی و رقابت غیرمنصفانه محصولات رقیب خارجی در بازار
۲۱	۴/۳۸	۲۰	۴/۳۴	۲۱	۴/۱۲	۲۱	۴/۵۱	۲۰	۴/۲۹	۲۰	۴/۳۶	۲۰	۴/۵۵	۱۹	۴/۶۲	۱۷	۴/۹۷	۱۸	۴/۵۳	ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف‌کننده
۱۸	۴/۷۸	۱۹	۴/۴۲	۱۷	۴/۷۹	۲۰	۴/۵۵	۱۸	۴/۷۹	۱۸	۴/۸۱	۱۹	۴/۷۴	۲۰	۴/۵۲	۱۸	۴/۷۷	۱۹	۴/۴۹	تمایل مردم به خرید کالاهای خارجی و تقاضای کم برای محصولات ایرانی مشابه
۲۰	۴/۷۶	۱۸	۴/۲۹	۲۰	۴/۳۲	۱۸	۴/۶۱	۲۱	۴/۲۵	۲۱	۴/۳۴	۲۱	۴/۳۲	۲۱	۴/۴۵	۲۰	۴/۳۰	۲۰	۴/۱۱	ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل
۲۲	۳/۸۲	۲۲	۳/۳۲	۲۲	۳/۷۱	۲۲	۳/۵۴	۲۲	۳/۴۶	۲۲	۳/۳۵	۲۲	۳/۴۸	۲۲	۳/۵۰	۲۱	۳/۱۹	۲۱	۳/۲۸	ضعف زیرساخت‌های تأمین برق
۵/۸۲		۵/۴۸		۵/۴۳		۵/۶۲		۵/۵۵		۵/۵۸		۵/۷۳		۵/۷۳		۵/۷۰		۵/۶۰		برآیند ارزیابی تشکلهای (میانگین وزنی کل)



درباره ارزیابی کلی وضعیت محیط کسب و کار در ۸ سال اخیر مجموعاً می‌توان گفت از نظر شاخص سهولت انجام کسب و کار (بانک جهانی)، وضعیت ایران طی ۸ سال اخیر دائماً رو به بدتر شدن بوده است، اما از نظر شاخص رقابت‌پذیری جهانی (تحت نظر مجمع جهانی اقتصادی) و نیز شاخص جهانی حقوق مالکیت (تحت نظر مؤسسه آزادی و دموکراسی)، وضعیت ایران نسبت به سایر کشورها اندکی بهتر شده است. لازم به یادآوری است به دلایل مختلف نهادی، ساختاری و فرهنگی، محیط کسب و کار در ایران قبل از شروع به کار دولت نهم نیز در وضعیت بدی قرار داشت. به عنوان مثال در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) رتبه ایران در شاخص سهولت انجام کسب و کار رتبه ۱۰۸ در میان ۱۵۵ کشور بوده است. در عین حال نباید فراموش کرد در ۸ سال اخیر احکام قانونی متعددی با هدف بهبود محیط کسب و کار در ایران تصویب شده و دولت موظف به اجرای سیاست‌هایی برای بهبود محیط کسب و کار بوده است.

۲-۲. ارزیابی عملکرد قوانین مصوب برای بهبود محیط کسب و کار

در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ چند قانون مهم مرتبط با محیط کسب و کار به تصویب رسید که مهمترین آنها عبارتند از:

- قانون رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی (۱۳۸۶): این قانون به صورت طرح نمایندگان تدوین و تصویب شده است.
 - قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی (۱۳۸۷): اصل این قانون به صورت لایحه دولت بوده ولی به دلیل اینکه احکام پیشنهادی دولت با سیاست‌های کلی اصل چهارم ابلاغی تناسب نداشت، لایحه دولت با تغییرات بسیار زیادی به تصویب رسید.
 - قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۹): مواد (۶۹) تا (۷۹) تحت عنوان بهبود فضای کسب و کار: در لایحه دولت ۳ ماده تحت این عنوان پیشنهاد شده بود که با تلاش نمایندگان مجلس ۹ ماده دیگر به آن اضافه شد.
 - قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار (۱۳۹۰): متن اولیه این قانون براساس ماده (۹۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی توسط اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران به دولت و مجلس پیشنهاد شد و پس از آنکه دولت بیش از دو سال در بررسی و ارائه آن تعلل کرد، توسط نمایندگان به صورت طرح قانونی تدوین شده و به تصویب رسید.
- هرچند از عملکرد احکام قانونی تازه تصویب شده درباره بهبود محیط کسب و کار هنوز گزارش‌های دقیقی منتشر نشده است، اما مجموعاً می‌توان چنین قضاوت کرد که اکثر احکام این

قوانین به‌طور کامل و مؤثری اجرا نشده‌اند.

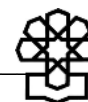
به‌عنوان مثال حکم صدر ماده (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی که مهمترین حکم قانونی برای بهبود محیط کسب‌وکار و سهولت ورود به کسب‌وکارها محسوب می‌شود بعد از گذشت ۵ سال از ابلاغ این قانون، هنوز اجرا نشده است. بسیاری از احکام برنامه پنجم توسعه درباره بهبود محیط کسب‌وکار هنوز اجرا نشده است و از زمستان ۱۳۹۰ وزرای عضو شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی با وجود تصریح قانونی هیچگاه در جلسات این شورا شرکت نکرده‌اند و مهمترین نهاد قانونی پیگیر بهبود محیط کسب‌وکار را از کارآیی ساقط کرده‌اند.

مثال دیگر درباره عملکرد یکی از مهمترین مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار یعنی موضوع شرایط، مراحل و هزینه‌های صدور مجوزهای کسب‌وکار (سهولت ورود به کسب‌وکار) است. در این باره ماده (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی و مواد (۶۲) و (۷۰) قانون برنامه پنجم توسعه به تصویب رسید. اما بررسی عملکرد نشان‌دهنده عدم اهتمام جدی به اجرای احکام مزبور است.^۱

۳. اشتغال

به‌طور کلی و فارغ از اظهارنظرها و ارقام اعلام شده در باب تعداد خالص فرصت‌های شغلی ایجاد شده در طول سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۱ تحلیل تحولات بازار کار در طول سال‌های مذکور به‌دلیل کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های پایگاه‌های داده‌ای و اطلاع‌رسانی در بازار کار بسیار دشوار و به موضوعی بحث‌انگیز تبدیل شده و در اکثر رسانه‌ها، مطبوعات و محافل علمی در باب آن بحث و گفتگو می‌شود. برای اظهارنظر در این باره باید توجه داشت که اصولاً برای تحلیل بازار کار دو منبع سرشماری عمومی نفوس و مسکن و طرح آمارگیری از نیروی کار در اختیار است. برای ورود به این بحث نگاهی به روند گذشته خواهیم داشت تا شاید بهتر بتوان در باب صحت و سقم شاخص‌های فعلی اظهارنظر و برای آینده سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کرد. از آنجا که نقش داده و اطلاعات برای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در بازار کار بسیار پراهمیت است سعی خواهد شد که شاخص‌های بازار کار در سال ۱۳۹۰ براساس داده‌ها و اطلاعات طرح آمارگیری از نیروی کار و سرشماری عمومی نفوس و مسکن مورد بررسی قرار گیرند.

۱. برای اطلاع بیشتر به گزارش شماره ۲۲۰۱۳۰۸۲ مورخ ۱۳۹۲/۴/۳۰ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی رجوع شود.



در جداول ۵ و ۶ تحولات جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر، جمعیت غیرفعال، جمعیت فعال، جمعیت شاغل، جمعیت بیکار، نرخ مشارکت، نرخ بیکاری و نرخ رشد تولید در دوره بلندمدت ۱۳۴۵-۱۳۹۰ نمایش داده شده است. همچنانکه ملاحظه می‌گردد رشد سالیانه کلیه شاخص‌های مورد نظر برای سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۵ تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته و از روند خاصی پیروی می‌کنند. ولی در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ برخی از نرخ‌های رشد از روند قبلی پیروی نکرده و با سال‌های قبل تفاوت اساسی پیدا کرده است.

براساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن، عرضه نیروی کار یا جمعیت فعال در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب بالغ بر ۲۳/۴۷ و ۲۴/۱۱ میلیون نفر بوده است. به عبارت دیگر در طول سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ بالغ بر ۶۳۸ هزار نفر به عرضه نیروی کار کشور اضافه شده است. اگر میزان افزایش سالیانه در عرضه نیروی کار را در طول دوران ۱۳۸۵-۱۳۹۰ (که بالغ بر ۱۲۷ هزار نفر بوده است) با دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ (که بالغ بر ۷۴۷ هزار نفر بوده است) مقایسه کنیم، یک سؤال اساسی و مهم پیش می‌آید که آیا واقعاً در دوران ۱۳۸۵-۱۳۹۰ عرضه جدید نیروی کار در هر سال با کاهش چشمگیری در حد ۱۷ درصد عرضه سالیانه دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ مواجه گردیده است. پاسخ قانع‌کننده‌ای برای کاهش عرضه در این حد و مقیاس وجود ندارد.

جدول ۵. متغیرهای بازار کار در دوره ۱۳۴۵-۱۳۹۰ (میلیون نفر)

موضوع	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	۱۷/۰	۲۳/۰۰	۳۲/۸۰	۴۵/۴۰	۵۹/۵۰	۶۳/۲۰
جمعیت غیرفعال	۹/۲	۱۳/۲۱	۱۹/۹۸	۱۲/۸۲	۳۵/۵۲	۳۸/۵۰
جمعیت فعال	۷/۸	۹/۷۹	۱۲/۸۲	۱۶/۰۳	۲۳/۵۰	۲۴/۱۰
جمعیت شاغل	۷/۱	۸/۸۰	۱۱/۰۰	۱۴/۵۰	۲۰/۴۸	۲۰/۵۵
درصد نرخ مشارکت	۴۶	۴۳	۳۹	۳۵	۳۹	۳۸
جمعیت بیکار	۰/۷	۰/۹۹	۱/۸۲	۱/۴۵	۳/۰۰	۳/۵۶
درصد نرخ بیکاری	۸/۹	۱۰/۲	۱۴/۲	۹/۶	۱۲/۸	۱۴/۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری‌ها در سال‌های مختلف.

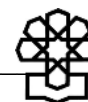
جدول ۶. نرخ رشد متوسط متغیرهای بازار کار در دوره ۱۳۴۵-۱۳۹۰ (درصد)

نرخ رشد متوسط سالیانه					موضوع
۱۳۹۰-۱۳۸۵	۱۳۸۵-۱۳۷۵	۱۳۷۵-۱۳۶۵	۱۳۶۵-۱۳۵۵	۱۳۵۵-۱۳۴۵	
۱/۲	۲/۷	۳/۳	۳/۶	۳/۱	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر
۱/۶	۱/۹	۳/۹	۴/۲	۳/۷	جمعیت غیرفعال
۰/۵	۳/۹	۲/۳	۲/۷	۲/۳	جمعیت فعال
۰/۰۷	۳/۵	۲/۸	۲/۳	۲/۲	جمعیت شاغل
۳/۵	۷/۵	-۲/۲	۶/۳	۳/۵	جمعیت بیکار
۳/۶	۵/۱	۳/۹	-۲/۲	۱۱/۸	تولید ناخالص داخلی

مآخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری‌ها در سال‌های مختلف و گزارش‌های اقتصادی بانک مرکزی.

اگر براساس سرشماری در باب تقاضای نیروی کار قضاوت شود تعداد شاغلان از ۲۰/۴۸ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ به ۲۰/۵۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. به عبارت دیگر در طول پنج سال خالص تقاضای نیروی کار حدود ۷۰ هزار نفر و در هر سال بالغ بر ۱۴ هزار اضافه شده است. آنچه در نگاه کلی به این اطلاعات می‌توان اظهار نمود این است که اقتصاد ایران با توجه به رشد تولید ناخالص داخلی، سطح سرمایه‌گذاری و اختصاص اعتبارات ریالی و ارزی به پروژه‌های عمرانی و کارگاه‌های تولیدی قطعاً بیش از این تعداد شغل ایجاد کرده است.

در جدول ۷ تحولات بازار کار براساس طرح آمارگیری از نیروی کار به تصویر کشیده شده است. همچنانکه ملاحظه می‌گردد تعداد عرضه نیروی کار از ۲۳/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ به ۲۳/۴ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ کاهش پیدا کرده است. به عبارت دیگر در طول دوره مورد نظر عرضه نیروی کار به میزان ۱۰۰ هزار نفر کاهش پیدا کرده است. در مقابل تقاضای نیروی کار نیز از ۲۰/۸۴ به ۲۰/۵۱ میلیون نفر کاهش پیدا کرده است. به عبارت دیگر براساس آمارهای رسمی کشور تعداد خالص فرصت‌های شغلی از دست رفته در طول سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر می‌باشد. به طور قطع از نظر کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی این اطلاعات نمی‌تواند گویای تحولات بازار کار در این دوره باشد (اگرچه مراجع آماری رسمی کشور آن را اعلام کرده‌اند).



جدول ۷. تحولات بازار کار در طول سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۱ (میلیون نفر)

سال	جمعیت	جمعیت در سنین فعالیت	جمعیت فعال	نرخ مشارکت	جمعیت شاغل	جمعیت بیکار	نرخ بیکاری (درصد)
۱۳۸۴	۶۹/۵	۵۶/۸	۲۳/۳	۰/۴۱	۲۰/۶۲	۲/۶۷	۱۱/۵
۱۳۸۵	۷۰/۵	۵۸/۱	۲۳/۵	۰/۴۰	۲۰/۸۴	۲/۶۴	۱۱/۳
۱۳۸۶	۷۱/۵	۵۹/۲	۲۳/۶	۰/۴۰	۲۱/۰۹	۲/۴۹	۱۰/۵
۱۳۸۷	۷۲/۶	۶۰/۲	۲۲/۹	۰/۳۸	۲۰/۵۰	۲/۳۹	۱۰/۴
۱۳۸۸	۷۳/۷	۶۱/۳	۲۳/۸	۰/۳۹	۲۱/۰۰	۲/۸۴	۱۱/۹
۱۳۸۹	۷۴/۷	۶۲/۱	۲۳/۹	۰/۳۸	۲۰/۶۶	۳/۲۲	۱۳/۵
۱۳۹۰	۷۵/۰	۶۳/۴	۲۳/۴	۰/۳۷	۲۰/۵۱	۲/۸۸	۱۲/۳

مأخذ: مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری از نیروی کار و سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن.

مسئله حائز اهمیت است که در بازار کار ایران باید به آن اشاره کرد، مخدوش بودن و به روز نبودن داده‌ها و اطلاعات بازار کار می‌باشد که منشأ بسیاری از تحلیل‌های ناصحیح است. به‌طور مشخص باید گفت که در حال حاضر مشکل کارشناسان بازار کار فقدان همخوانی این دو دسته از اطلاعات از یکسو و مغایرت‌های آنان با روندهای بلندمدت در این بازار است. طبق آنچه در جداول فوق قابل مشاهده است هیچ دلیلی برای تغییر روند اساسی دو شاخص عرضه و تقاضای نیروی کار در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ قابل ارائه نیست و به‌نظر می‌رسد که هر دو دچار کم‌شماری شده‌اند. موضوع تغییر روند کاهشی متغیرهای مذکور نمی‌تواند از طریق سیاست‌های تأخیری بازار کار از جمله سیاست‌های پذیرش دانشجو و نظام پرداخت‌های یارانه‌ای در طرف عرضه بازار کار یا موضوع رشد بدون اشتغال در طرف تقاضای بازار کار توجیه گردد. بنابراین با توجه به اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۰ و طرح آمارگیری از نیروی کار نمی‌توان نسبت به ارائه تصویر روشن و شفاف در بازار کار اقدام کرد و تعداد و تحولات عرضه و تقاضای نیروی کار نیازمند مطالعات وسیع‌تری می‌باشد.

همچنین آمارهایی که توسط برخی مسئولان ارائه شده است بعضاً به‌صورت شفاهی و در سخنرانی و مصاحبه است که این شیوه نمی‌تواند ملاک درستی برای ارزیابی عملکرد دولت در کل یا در یک بخش مانند بازار کار باشد. به‌طور اصولی برای آمارهایی که اعلام می‌شود باید مستندات ارائه شود و دقیقاً مشخص کنند که از کدام پایگاه یا منبع داده‌ای استفاده کرده‌اند (یکسری آمارهای ثبتی و یکسری آمارهای غیرثبتی وجود دارد که می‌بایست از آنها برای ارزیابی عملکرد در حوزه اشتغال استفاده شود).

۴. توزیع درآمد

این بخش ابتدا آمارهای متعارف درباره توزیع درآمد را ارائه می‌کند و سپس درخصوص تحلیل و برداشت‌های صحیح از این آمارها توضیحاتی ارائه شده است. لازم به ذکر است ارزیابی دقیق وضعیت رفاه و توزیع درآمد ابعاد بسیار پیچیده‌ای دارد که نیازمند مجال دیگری است.

براساس آمارهای مرکز آمار ایران وضعیت ضریب جینی و سهم دهک‌ها از هزینه خانوارها برای سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۹۰ و نه ماهه اول سال ۱۳۹۱ به شرح زیر بوده است. آمارهای مزبور نشان از کاهش ضریب جینی، کاهش نسبت هزینه ده درصد بالا به هزینه ده درصد پایین و افزایش سهم ۲۰ درصد پایین از کل دارد. بدین ترتیب می‌توان گفت بر مبنای این معیارها، نابرابری کاهش یافته است (جداول ۵، ۶ و ۷).

جدول ۸. ضریب جینی و سهم هزینه ناخالص دهک‌ها: کل کشور

سال	ضریب جینی	سهم بیست درصد پایین جامعه	سهم ده درصد بالا به ده درصد پایین جامعه
۱۳۸۴	۰/۴۵۸	۰/۰۵۲۹	۱۶/۴۶
۱۳۹۰	۰/۳۵۶۸	۰/۰۶۶۳	۱۱/۰۹
نه ماهه ۱۳۹۱	۰/۳۵۷۵	۰/۰۶۹۲	۱۰/۳۶

جدول ۹. ضریب جینی و سهم هزینه ناخالص دهک‌ها: مناطق روستایی

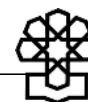
سال	ضریب جینی	سهم بیست درصد پایین جامعه	سهم ده درصد بالا به ده درصد پایین جامعه
۱۳۸۴	۰/۳۸۸۹	۰/۰۶۱۱	۱۲/۷۴
۱۳۹۰	۰/۳۳۹۴	۰/۰۷۲۲	۹/۳۸
نه ماهه ۱۳۹۱	۰/۳۳۷۳	۰/۰۷۵۰	۸/۸۱

جدول ۱۰. ضریب جینی و سهم هزینه ناخالص دهک‌ها: مناطق شهری

سال	ضریب جینی	سهم بیست درصد پایین جامعه	سهم ده درصد بالا به ده درصد پایین جامعه
۱۳۸۴	۰/۴۰۵۸	۰/۰۵۸۷	۱۳/۹۴
۱۳۹۰	۰/۳۵۶۸	۰/۰۶۹۴	۱۰/۱۷
نه ماهه ۱۳۹۱	۰/۳۵۷۵	۰/۰۷۰۵	۹/۹۸

در ارتباط با نتایجی که از تغییرات ضریب جینی گرفته شده است باید گفت که بنابر موازین علمی به دلایل زیر نمی‌توان به صراحت نتیجه گرفت که نابرابری کاهش یافته است:

۱. داده‌های به کار گرفته شده مربوط به هزینه است و نه درآمد، لذا افت آن می‌تواند مربوط به کاهش بُعد خانوار دهک‌های بالایی باشد (مگر آنکه سرانه در نظر گرفته شده باشد).



۲. ظاهراً در محاسبه ضرایب جینی از داده‌های دهکی استفاده شده، به این ترتیب نابرابری‌های درون دهک‌ها لحاظ نشده، البته چون برای هر دو مقطع زمانی چنین بوده است می‌توان فرض کرد درون دهک‌ها توزیع ثابت بوده است.

۳. یک قاعده کلی این است که در شرایط رکودی به دلیل افت بیشتر در درآمد گروه‌های پردرآمد توزیع متعادل‌تر می‌شود. اما فقر نیز به دلیل کاهش کمک‌های دولت به گروه‌های فقیر افزایش می‌یابد. تجارب دوره‌های رونق درآمدهای نفتی قبل و بعد از انقلاب مؤید این مسئله است.

۴. در توجیه و تفسیر ضرایب نابرابری همواره باید شاخص‌های کلان هم مدنظر قرار گیرد. اساساً پذیرفتن کاهش نابرابری در شرایط تورمی قدری مشکل است. در شرایطی که شاخص فلاکت (نرخ تورم + نرخ بیکاری) افزایش یافته حتی بهبود توزیع درآمد به معنای کاهش فقر نیست. به هر حال حتی اگر بهبود توزیع را بپذیریم به هیچ‌وجه این مسئله به معنای کاهش فقر نیست (زیرا دو عامل عمده فقر یعنی بیکاری و افت درآمد هر دو در وضعیت نامطلوبی قرار دارند).

۵. مطالعات نشان می‌دهد که وضعیت دهک اول و آخر در سال اول اجرای هدفمندی بهبود داشته و وضعیت دهک‌های میانی تخریب گردیده است (البته می‌توان انتظار داشت در نتیجه تورم دو سال اخیر وضعیت دهک اول بدتر شده باشد. به‌ویژه آنکه تورم از ناحیه مواد غذایی که سهم بیشتری در هزینه خانوار کم‌درآمد دارد بالاتر بوده است).

۶. تنها مقایسه نسبت دهک آخر به دهک اول نمی‌تواند ملاک سنجش باشد. ارقام جدول ۸ نشان می‌دهند که وضعیت طبقات میانی بدتر گردیده است (دچار رشد پایین‌تر و در بعضی سال‌ها رشد منفی در مخارج شده‌اند) این پدیده خود به معنای بدتر شدن توزیع می‌باشد که در مقایسه دهک اول و آخر بیان نمی‌شود. باید توجه داشت که طبقه میانی نقش اصلی را در رشد اقتصادی و کیفیت آن بازی می‌کند.

جدول ۱۱. نرخ رشد سالیانه مخارج خانوار (سرانه)

سال	دو دهک اول	دو دهک دوم	دو دهک سوم	دو دهک چهارم	دو دهک پنجم
۱۳۶۸-۱۳۶۳	-۰/۱۰	-۰/۱۱	-۰/۱۲	-۰/۱۲	-۰/۱۳
۱۳۷۹-۱۳۶۹	۰/۲۷	۰/۲۹	۰/۱۱	۰/۲۰	۰/۱۱
۱۳۹۰-۱۳۸۰	۰/۰۵۱	۰/۰۴۸	۰/۰۵۳	۰/۰۵۳	۰/۰۵۱

Source: Iran Statistics Center, Household Survey-9

۷. وقتی در اقتصادی سیستم حمایتی گسترده به‌ویژه در قالب کمک‌هزینه مصرفی برقرار است، داده‌های مخارج مصرفی به‌ویژه از جانب گروه‌های کم‌درآمد باید مورد تعدیل قرار گیرد. چراکه در چنین شرایطی گروه کم‌درآمد برای بهره‌مندی از حمایت بیشتر در اعلام مخارج مصرفی دچار اضافه‌گویی است (over estimate) که این امر خود بر اندازه شاخص‌های نابرابری اثرگذار است.

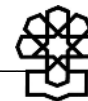
۸. در مورد ارزش برابری قدرت خرید باید به این نکته توجه داشت که مبنای گزارشات بانک جهانی آمارهای بانک مرکزی است (یعنی نرخ ارز مرجع). به همین دلیل تا قبل از چندماهه اخیر قدرت برابری خرید به‌طور مصنوعی بالا محاسبه گردیده، که لازم است این نکته در محاسبه آن مدنظر باشد. قدرت برابری باید براساس میانگین نرخ ارز بازار و بانک مرکزی محاسبه شود. بنابراین گزارش بانک جهانی در این زمینه واقعی به‌نظر نمی‌رسد. از نیمه سال ۱۳۹۰ بازار آزاد ارز شکاف گسترده با نرخ ارز رسمی پیدا نمود و نقطه انفجار آن هم اردیبهشت ۱۳۹۱ بود. بنابراین ارزش ریال اولاً به آن اندازه نبوده است (نرخ ارز بازار آزاد در آن لحاظ نشده) و ثانیاً این افزایش مصنوعی و کوتاه‌مدت بود. از نیمه‌های سال ۱۳۹۰ با کاهش شدید قدرت برابری ریال شدت گرفت که دلیل رشد جهش‌گونه ارزش دلار بالا نگاه داشتن مصنوعی ارزش ریال می‌باشد.

۵. نقدینگی و تورم

در هر کشوری، رفاه شهروندان به سطح درآمد و هزینه‌هایشان بستگی دارد. در اقتصاد تغییرات در هزینه زندگی شهروندان توسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (شاخص قیمت) سنجیده می‌شود. این شاخص هزینه خرید سببی از کالاها و خدمات توسط یک خانوار نمونه را نشان می‌دهد. از آنجا که مقادیر کالاها و خدمات در سبد مصرفی ثابت است، تغییرات در هزینه خرید سبد مصرفی تنها به دلیل تغییرات در قیمت‌های کالاها و خدمات اتفاق می‌افتد.

در بیان کلی، تورم به وضعیتی در اقتصاد گفته می‌شود که سطح عمومی قیمت‌ها در بازه زمانی خاص افزایش یابد. تورم، پیامدهای منفی بسیاری برای اقتصاد دارد که مواردی از جمله کاهش قدرت خرید خانوارها، تغییر توزیع درآمد و ثروت، تأثیر بر مصرف و کاهش پس‌انداز و کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را شامل می‌شود.

سنجش میزان تورم در اقتصاد از طریق محاسبه شاخص‌های قیمت انجام می‌پذیرد. در این رابطه، شاخص‌های قیمت متفاوتی تعریف شده که از آن جمله می‌توان به شاخص قیمت مصرف‌کننده، شاخص قیمت تولیدکننده و شاخص ضمنی تولید اشاره کرد. هر یک از این شاخص‌ها بنا به اهداف خاصی تعریف شده‌اند که از آن جمله می‌توان به اندازه‌گیری قدرت خرید پول ملی هر



کشور، تنظیم حجم پول در جریان، اندازه‌گیری تغییرات هزینه زندگی مردم، تشخیص فشارهای تورمی و ضدتورمی، تشخیص شرایط مبادله بخش‌های مختلف تولیدی و دنیای خارج، محاسبه درآمد ملی جامعه به قیمت ثابت و بررسی اوضاع عمومی اقتصاد کشور اشاره کرد.

۱-۵. تحولات برخی از شاخص‌های قیمت در اقتصاد ایران

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI)^۱ یکی از مهمترین شاخص‌های قیمتی است که به‌منظور سنجش تغییرات رفاهی جامعه در اثر تغییر سطح قیمت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شاخص برای تعدیل سطح حقوق و دستمزد و همچنین (به‌عنوان یک تعدیل‌کننده) جهت محاسبه قیمت‌های ثابت در حساب‌های ملی نیز به‌کار گرفته می‌شود. شاخص CPI معیار سنجش تغییرات قیمت تعداد ثابت و معینی از کالاها و خدمات است که توسط خانوارهای شهرنشین ایرانی به مصرف رسیده و وسیله‌ای است برای اندازه‌گیری سطح عمومی قیمت‌ها در بازار خرده‌فروشی و یکی از بهترین معیارهای سنجش نرخ تورم و قدرت خرید پول کشور می‌باشد.

مروری بر تحولات تورم شاخص قیمت مصرف‌کننده در اقتصاد ایران حاکی از آن است که سابقه تورم دو رقمی در ایران، به دهه ۱۳۵۰ باز می‌گردد. هرچند در سال‌های ابتدایی انقلاب تورم روندی صعودی را تجربه کرد و به ۲۲/۸ درصد در سال ۱۳۶۰ رسید. از سال ۱۳۶۱ به بعد این روند نزولی شد و در سال ۱۳۶۴ کشور پایین‌ترین نرخ تورم را به میزان ۶/۹ درصد ثبت کرد.

در مجموع، میانگین نرخ تورم در دهه ۱۳۶۰، معادل با ۱۷/۹ درصد و انحراف معیار آن معادل با ۷/۸ واحد بود. در دهه هفتاد اقتصاد کشور شاهد رشد چشمگیر تورم بود. اوج نرخ تورم در این دهه به سال ۱۳۷۴ مربوط است که بالاترین نرخ رسمی تورم کشور (معادل ۴۹/۵ درصد) را ثبت کرد. از سال ۱۳۷۵ به بعد مجدداً نرخ تورم کاهش یافت و در سال ۱۳۸۰ به ۱۱/۴ درصد رسید. در فاصله سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ نرخ تورم در حول و حوش ۱۵ درصد در نوسان بود، اما در سال ۱۳۸۴ این نرخ کاهش و به مرز ۱۰ درصد رسید. پس از این سال مجدداً روند صعودی تورم تا سال ۱۳۸۷ ادامه یافت، به‌گونه‌ای که نرخ تورم این سال به ۲۵/۴ درصد رسید. به‌دنبال اعمال سیاست‌های انقباضی پولی این نرخ در سال ۱۳۸۸ به ۱۰/۸ درصد کاهش یافت. با این حال، متوسط نرخ تورم در پنج سال اول برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) به ۱۵/۴ درصد بالغ شد که نسبت به متوسط نرخ تورم برنامه سوم توسعه (۱۴/۱ درصد) افزایش نشان می‌دهد. همچنین عملکرد نرخ تورم پنج سال اول برنامه چهارم توسعه در سال‌های مذکور نسبت به ارقام پیش‌بینی برنامه از افزایش قابل

ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. اگرچه مقایسه عملکرد و پیش‌بینی نرخ تورم در سال‌های برنامه چهارم توسعه نشان می‌دهد که در سال اول برنامه، میزان عملکرد کمتر از میزان هدفگذاری شده بود، اما در سال‌های دوم و سوم میزان تورم از اهداف مورد نظر پیشی گرفت؛ به‌گونه‌ای که ارقام عملکرد تورم در این دوره حاکی از عدم تحقق متوسط تورم هدفگذاری شده طی دوره برنامه (۹/۹ درصد) بود. از سال ۱۳۸۹ تاکنون نیز نرخ تورم مجدداً افزایش یافت و به ۳۰/۵ درصد در پایان سال ۱۳۹۱ بالغ گردیده است (جدول ۱۲).

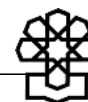
جدول ۱۲. روند نرخ تورم متوسط دوازده‌ماهه در سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۹۱ (۱۰۰=۱۳۹۰)

نرخ تورم	۱۳۶۱-۱۳۷۳	۱۳۵۱-۱۳۶۰	برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	پنج سال اول برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸)	۱۳۹۱-۱۳۸۹
میانگین	۲۰/۱	۱۵/۲	۲۵/۶	۱۴/۱	۱۵/۴	۲۱/۵
انحراف معیار	۷/۶	۶/۶	۱۳/۵	۲/۰	۶/۵	۹/۱

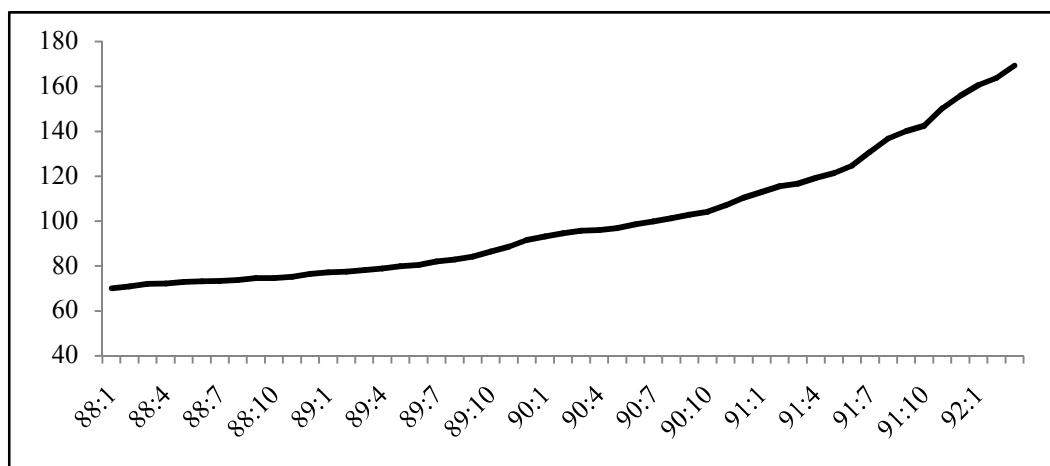
۲-۵. شاخص قیمت و تورم

شاخص قیمت در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ به ترتیب ۶۶/۱، ۷۳/۲، ۸۲/۳، ۱۰۰ و ۱۳۰/۵ واحد بوده است. مقایسه شاخص در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ با شاخص در سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد هزینه زندگی در این سال‌ها به ترتیب ۱/۵ و ۲ برابر شده است.

روند شاخص قیمت در چهار سال گذشته در نمودار ۱ آورده شده است. همانطور که در نمودار واضح است شاخص قیمت در این چهار سال همواره صعودی بوده و در سال‌های اخیر این شاخص با سرعت بیشتری افزایش یافته است؛ به عبارت دیگر هزینه زندگی در سال‌های گذشته همواره افزایش یافته است.



نمودار ۱. شاخص بهای کالاها و خدمات در مناطق شهری (سال پایه = ۱۳۹۰)

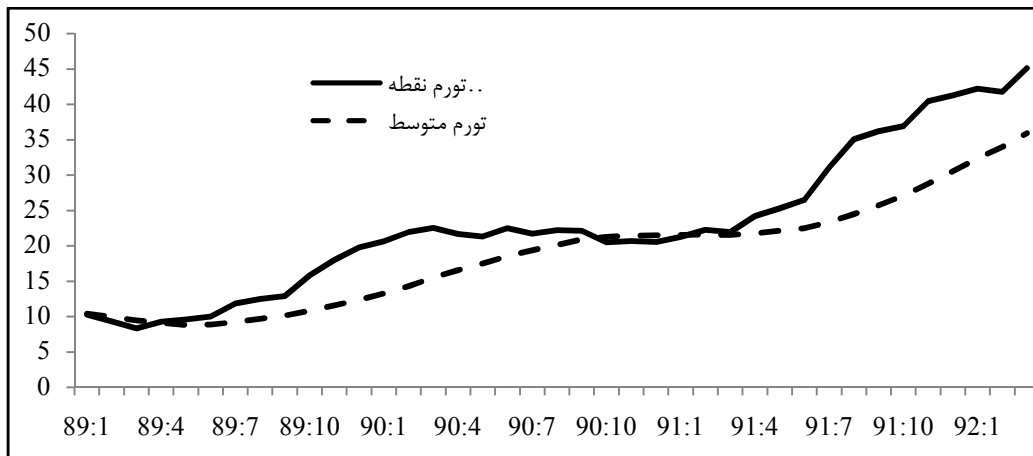


به طور کلی تورم به صورت تغییر در شاخص قیمت (تغییر در سطح عمومی قیمت‌ها) اندازه‌گیری می‌شود. اما روش یکسانی برای اندازه‌گیری تورم وجود ندارد. تورم در ایران به دو صورت گزارش می‌شود: تورم نقطه به نقطه و تورم متوسط سالیانه.

در تورم نقطه به نقطه شاخص قیمت در هر ماه با شاخص قیمت در ماه متناظر سال قبل مقایسه می‌شود. در تورم متوسط که به طور معمول از طرف سازمان‌های مربوطه (بانک مرکزی یا سازمان آمار) ارائه می‌شود متوسط دوازده ماه شاخص با متوسط سالیانه دوازده ماه سال گذشته مقایسه می‌شود. به دلیل نحوه محاسبه تورم متوسط این تورم هموارتر از تورم نقطه به نقطه است، و خودهمبستگی تورم به مقادیر گذشته آن بیشتر است. در نمودار ۲ تورم نقطه به نقطه با خط پیوسته و تورم متوسط دوازده ماه با خط چین نشان داده شده است. همانطور که مشخص است تورم متوسط دوازده ماه با وقفه همان تغییرات تورم نقطه به نقطه را منعکس می‌کند. همبستگی تورم نقطه به نقطه با تورم متوسط ۹۵ درصد است، اما این همبستگی برای تورم نقطه به نقطه و تورم سالیانه در فصل آینده ۹۸ درصد است. این نشان می‌دهد که تغییرات تورم نقطه به نقطه بعد از یک فصل خود را در تورم متوسط سالیانه نشان می‌دهد. به همین دلیل در این گزارش از تورم نقطه به نقطه استفاده می‌شود.

همانطور که در نمودار ۲ مشخص است، از ابتدای سال ۱۳۸۹ تورم روند صعودی به خود گرفت و از متوسط ۱۰ درصد به متوسط ۲۰ درصد در ابتدای سال ۱۳۹۰ افزایش یافت. در طول سال ۱۳۹۰ تورم در حدود ۲۰ درصد باثبات بود، اما از ابتدای سال ۱۳۹۱ تورم به شدت افزایش یافت به طوری که در خرداد ماه سال ۱۳۹۲ به ۴۵ درصد رسید.

نمودار ۲. تورم نقطه به نقطه و تورم متوسط سالانه (سال پایه = ۱۳۹۰)



۳-۵. علل تورم

در ادبیات اقتصادی علل تورم به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: تورم ناشی از فشار تقاضا، تورم ناشی از فشار هزینه و تورم ساختاری. اغلب مکاتب اقتصادی (کلاسیکی و کینزی) بر نقش مازاد تقاضا بر ایجاد تورم تأکید کرده‌اند. در این نوع تورم پیشی گرفتن تقاضا برای کالاها و خدمات نسبت به عرضه آنها باعث ایجاد تورم می‌شود. البته این مکاتب علل متفاوتی را برای افزایش تقاضا عنوان می‌کنند. طرفداران مکتب پولی افزایش تقاضا را ناشی از رشد عرضه پول (یا رشد نقدینگی) می‌دانند، درحالی که طرفداران مکتب کینزی افزایش تقاضا را ناشی از افزایش تقاضا در بازار کالا (مصرف، سرمایه‌گذاری و هزینه‌های دولتی) می‌دانند.

در تورم ناشی از فشار هزینه، افزایش هزینه‌های تولید و کاهش عرضه موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود. همچنین در تورم ساختاری عدم تعادل‌های اقتصاد عامل اصلی تورم شناخته می‌شوند. باید به این نکته توجه داشت که تورم ناشی از فشار تقاضا می‌تواند برای دوره‌های بسیار طولانی وجود داشته باشد. ولی تورم ساختاری و تورم ناشی از افزایش هزینه در دوره‌های کوتاه‌مدت اتفاق می‌افتد.

در شرایط فعلی ایران افزایش هزینه تولید و افزایش تقاضای کل از عمده‌ترین علل تعیین‌کننده تورم است. در طی سال ۱۳۹۱ و ابتدای سال ۱۳۹۲، این علل باعث شدند که تورم به شدت افزایش یابد و از حدود ۲۰ درصد در سال به مرز ۴۵ درصد برسد.

تورم ناشی از تقاضا: طی سال‌های اخیر و تحت تأثیر درآمدهای سرشار ناشی از فروش نفت، دولت سیاست‌های پولی و مالی انبساطی متعددی را در پیش گرفته است. سیاست‌های انبساطی مالی عبارتند از: پرداخت یارانه نقدی، اجرای طرح‌هایی مانند طرح مسکن مهر یا قبل از آن



بنگاه‌های زودبازده از محل منابع بانک‌ها و به‌ویژه بانک مرکزی مرکز موجب افزایش بدهی دولت به بانک‌ها و بانک مرکزی و گسترش نقدینگی گردید.

نقدینگی کشور از حدود ۹۲ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۱۳۸۴ به حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۱۳۹۱ رسیده است (طی این دوره حدود ۴/۹ برابر شده است). متوسط نرخ رشد سالیانه ۲۵ درصدی نقدینگی در مقایسه با متوسط نرخ رشد تولید ملی (سالیانه کمتر از ۴ درصد) و رشد سطح قیمت‌ها (متوسط سالیانه ۱۷ درصد) نامتناسب بوده است (جدول ۱۳).

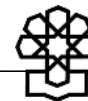
لازم به یادآوری است آنچه بیش از تزریق مازاد نقدینگی مخرب است، نحوه هدایت نقدینگی است که متأسفانه در کشور ما به‌سوی فعالیت‌های غیرمولد و سوداگرانه است که تأثیرات منفی متعددی بر بخش واقعی وارد می‌کند. این موضوع در مقایسه حجم نقدینگی در کشورها نیز بسیار مهم است. به‌عنوان مثال مقایسه حجم نقدینگی در ایران و ژاپن نیز قیاس مع‌الفارق است. اقتصاد ژاپن، اقتصادی بانک‌محور با نرخ بهره نزدیک به صفر است که گرچه سطح نقدینگی بالاست، اما رشد اندکی دارد، نرخ تورم نیز بسیار پایین است و نظارت بر بانک‌ها و تأمین مالی بنگاه‌ها به نحوی است که نقدینگی عمدتاً معطوف به تولید و فعالیت‌های حقیقی اقتصاد می‌شود نه سوداگری. در نتیجه کیفیت بالای نقدینگی و بسترهای صحیح اقتصادی موجب می‌شود کمیت نقدینگی مخرب نباشد.

جدول ۱۳. آمار نقدینگی و تورم طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۰

(میلیارد ریال)

متوسط رشد سالیانه (درصد)	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	سال متغیر
۲۵	۴,۵۰۰,۲۴/۸	۳,۵۲۲,۲۰۴/۱	۲,۹۴۸,۸۷۴/۲	۲,۳۵۵,۸۸۹/۱	۱,۹۰۱,۳۶۶	۱,۶۴۰,۲۹۳	۱,۲۸۴,۱۹۹/۴	۹۲۱,۰۱۹/۴	۱. نقدینگی
۱۸	۱,۰۰۱,۴۵۲/۵	۸۷۴,۱۵۸/۷	۷۵۸,۷۱۶/۶	۶۰۱,۶۹۷	۵۲۵,۴۸۲/۵	۵۳۵,۷۰۷/۳	۴۱۴,۵۴۴/۹	۳۱۷,۹۱۹/۴	۱-۱. پول
۲۹	۳,۴۹۸,۷۸۹/۳	۲,۶۴۸,۰۴۵/۴	۲,۱۹۰,۱۵۷/۶	۱,۷۵۴,۱۹۲/۱	۱,۳۷۵,۸۸۳/۵	۱,۱۰۴,۰۸۵/۷	۸۶۹,۶۵۴/۵	۶۰۳,۱۰۰	۱-۲. شبه پول

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: www.cbi.ir/section/1379.asp



تحولات بخش پولی اقتصاد ایران به شدت وابسته به سیاست‌های مالی دولت وابسته است. به طور مثال دولت اگرچه از محل درآمدهای ارزی هزینه‌های جاری و عمرانی را تأمین مالی می‌کند، اما باید در پرداخت‌ها از پول ملی استفاده نماید. بنابراین، تبدیل ارز به ریال اغلب بر متغیرهای پولی مانند حجم پول و نقدینگی اثر می‌کند و موجب افزایش این متغیرها می‌شود. همچنین، پرداخت یارانه‌ها سیاستی انتقالی است که اگر از منابع بانک مرکزی تأمین شود باعث افزایش عرضه پول در اقتصاد می‌شود. به علاوه پایین بودن نرخ سود در سیستم بانکی (منفی بودن نرخ سود واقعی با احتساب تورم) انگیزه افراد را برای سپرده‌گذاری در بانک‌ها به شدت کاهش داده است.

بنابراین مجموعه‌ای از سیاست‌های پولی و مالی انبساطی باعث شده است تقاضای کل در اقتصاد افزایش یابد. در حالی که عرضه کل اقتصاد که نشان‌دهنده تولید در اقتصاد ملی است کاهش یافته است (علل کاهش عرضه و تولید در ادامه ذکر می‌شود). وجود مازاد تقاضا در اقتصاد باعث شد قیمت کالاها و خدمات به شکل کم‌سابقه‌ای افزایش یابد.

تورم ناشی از فشار هزینه: اقتصاد ایران مشخصات یک اقتصاد باز و کوچک را دارد. چرا که از یک طرف صادرات و واردات سهم عمده‌ای در اقتصاد ملی دارد و صادرات نفت و واردات کالاهای سرمایه‌ای از نیازهای اصلی اقتصاد ملی محسوب می‌شوند. از طرف دیگر نیز اقتصاد ایران نسبت به اقتصاد جهانی به اندازه‌ای کوچک است که نمی‌تواند بر اقتصاد جهانی تأثیر معناداری داشته باشد.

افزایش تحریم‌های خصمانه کشورهای غربی علیه ایران، باعث شده است توان تولیدی در اقتصاد ملی کاهش یابد. اعمال تحریم‌ها باعث شده است ورود کالاهای سرمایه‌ای (ماشین‌آلات و تجهیزات) و همچنین کالاهای مصرفی کاهش یابد، لذا بخش‌هایی از اقتصاد ملی که برپایه تجارت این کالاها بنا شده بودند، با کاهش شدید تولید مواجه شده‌اند. به طور مثال، صنعت خودروسازی متکی بر واردات برخی قطعات و ماشین‌آلات است. تا قبل از تحریم‌ها این صنعت به واسطه امکان تجارت خارجی توانسته بود به شدت رشد کند. اما بر اثر تحریم‌ها دسترسی به قطعات لازم برای خودروسازان یا ناممکن شده یا با هزینه بیشتری صورت می‌گیرد، تولید این واحدهای تولید کاهش یافته است. بدین ترتیب بخشی از تورمی که هم‌اکنون در ایران تجربه می‌شود ناشی از کاهش تولید (افزایش هزینه تولید) است که نتیجه تحریم‌های خصمانه کشورهای غربی است.

همچنین، اعمال تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی باعث شد، عرضه ارز در بازار کاهش یابد. کاهش عرضه ارز و افزایش تقاضا ناشی از شکل‌گیری انتظارات قیمتی موجب گریدید نرخ ارز به طور عمده‌ای افزایش یابد. افزایش نرخ ارز کاهش واردات کالاهای مصرفی و صادراتی را در پی داشت و باعث افزایش تورم در اقتصاد داخلی شد.

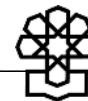
۶. بازار سرمایه

همزمان با افزایش شاخص کل بورس تهران از عدد ۱۲ هزار به ۵۷ هزار طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۲، بازار سرمایه کشور طی سال‌های اخیر شاهد رویدادهای چشمگیری در ناحیه سازمان‌دهی، نهادها و ابزارها بوده است. جداسازی سازمان بورس از شرکت بورس، تأسیس شرکت فرابورس (در سال ۱۳۸۷) و ادغام بورس‌های کالایی و تأسیس شرکت بورس کالایی ایران (۱۳۸۶) از جمله مهمترین اقدامات ساختاری این بازار بوده است. معرفی معاملات آتی (از سال ۱۳۸۹)، تأسیس شرکت‌های تأمین سرمایه (از سال ۱۳۸۷)، راه‌اندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک (از سال ۱۳۸۷) و فعال کردن بازارهای مختلف فرابورس نیز از جمله مهمترین نهادها و ابزارهای معرفی شده به بازار سرمایه ایران می‌باشد. از سوی دیگر، در سال‌های اخیر برخی از رویدادها موجب ملموس‌تر شدن نقش بازار سرمایه و به‌ویژه بورس در سیاست‌های اقتصادی و به‌طور کلی اقتصاد ایران شده است که از آن میان می‌توان به خصوصی‌سازی‌های اصل چهل و چهارم به کمک بازارهای بورس و فرابورس و واگذاری سهام عدالت اشاره نمود.

تعریف شاخص کل بورس در سال‌های اخیر تغییر نموده و سودهای نقدی را نیز در برگرفته است. البته این تغییر صحیح بوده و واقعی‌تر از شاخص قبلی بازده سهامداران را اندازه‌گیری می‌نماید زیرا در شاخص قبلی سود نقدی که یکی از انواع عایدات سهامداران است و در بازده باید لحاظ شود، در نظر گرفته نمی‌شد در حالی که تعریف جدید شاخص این مؤلفه را وارد محاسبات نموده است. همچنین پیش از سال ۱۳۸۴ با توجه به بحران عراق و پرونده هسته‌ای شاخص از اعداد حدود ۱۴۰۰۰ واحد به یک‌باره به دلایل بعضاً مرتبط و بعضاً غیرمرتبط به این عدد کاهش یافته بود که این کاهش فرصت‌هایی را برای رشد آتی فراهم نموده بود که نمی‌توان این بخش از رشد را به عملکرد دولت نسبت داد. اما با این حال حتی با در نظر گرفتن تغییر در تعریف شاخص و پتانسیل‌های مورد به دلیل افت قبلی شاخص، عملکرد دولت در این حوزه مناسب بوده و نشان‌دهنده عملکرد مناسب بازار سرمایه است.

همچنین ارزش بازار عمدتاً به دلیل ورود شرکت‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی رشد نموده و در حال حاضر به حدود ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی بالغ گردیده که نشان‌دهنده عملکرد مناسب در این حوزه است.

درواقع عملکرد بازار سرمایه در حوزه رشد شاخص‌ها و عرضه شرکت‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی مثبت بوده و در برخی از موارد که اشکالاتی در عرضه شرکت‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی وجود داشته عوامل متعددی دخیل بوده و قیمت‌گذاری‌های ناصحیح



بعضاً از طرف سایر نهادهای متولی امر واگذاری به بازار سرمایه تحمیل شده است، اما عرضه شرکت‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی را در بازار سرمایه عملکرد نسبتاً خوبی داشته است. همچنین در حوزه نظم‌بخشی و تدوین مقررات بازار سرمایه، سازمان بورس و شرکت‌های بورس در کنار اعضای کمیسیون‌های تخصصی و نمایندگان محترم مجلس عملکرد مناسب داشته و تصویب در قانون مهم بازار سرمایه (قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذرماه ۱۳۸۴ و قانون توسعه ابزارها و نهادهای مصوب آذرماه ۱۳۸۸) که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، یک اقدام متمایز از سایر اقدامات به‌شمار می‌رود. تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های جامع در چهار بورس اوراق بهادار، فرابورس، بورس کالا و بورس انرژی از جمله عملکردهای مناسب این حوزه به‌شمار می‌رود. علاوه‌بر آن در زمینه توسعه و معرفی ابزارهای مالی جدیدی مانند انواع صکوک، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، قراردادهای آتی، قرارداد سلف موازی استاندارد و اختیار خرید تبعی را می‌توان نام برد که همگی این ابزارها عملیاتی شده در بازار به‌کار گرفته شدند. البته اختیار خرید نیز یکی از ابزارهای مهم بازار سرمایه است که انتظار می‌رود تا پایان سال عملیاتی گردد.

۷. ارز

قانون برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۹) نظام ارزی کشور را شناور مدیریت شده تعیین کرده بود. در عمل در طول برنامه چهارم توسعه با اتکا به منابع حاصل از نفت (که به لطف قیمت‌های بالای نفت افزایش یافته بود)، دولت بجای کنترل تورم (به‌ویژه از طریق محدود کردن مصرف درآمدهای بادآورده نفتی و منابع موجود در حساب ذخیره ارزی) و سپس تعدیل نرخ ارز متناسب با تفاوت تورم داخلی و خارجی، اقدام به ثابت نگه داشتن نرخ ارز کرده و اجازه تعدیل آن را نداد. نتیجه این سیاست را می‌توان به‌شرح زیر خلاصه کرد:

۱. افزایش سطح واردات و وابسته کردن بیش از حد تولید و مصرف داخلی به واردات و بالای بردن تقاضای ارز.
۲. کسری تراز تجاری در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ ناشی از گسترش واردات و تزریق به بازار با هدف پایین نگه داشتن قیمت ارز.
۳. گسترش مخارج دولت به قیمت اسمی و وابسته‌تر کردن بودجه به منابع حاصل از نفت. در چنین وضعیتی و با محدود شدن درآمدهای ارزی در نتیجه تحریم‌های اقتصادی اولاً امکانات کشور برای تأمین منابع ارزی جهت واردات کاهش یافت؛ ثانیاً کسری بودجه نسبتاً قابل

توجهی نسبت به ارقام پیش‌بینی شده در قانون بودجه ۱۳۹۱ بروز کرد. موارد مزبور در کنار مشکلات ناشی از محدودیت‌های موجود در جابجایی ارز، هزینه تأمین ارز توسط دولت را افزایش داده و در نتیجه دولت نتوانست در مقاطعی به حد کافی نسبت به عرضه ارز اقدام کند.

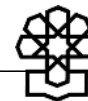
پس از شروع بحران ارزی، سوءمدیریت نیز به افزایش و بی‌ثباتی بازار ارز دامن زد. مواردی از قبیل بیش از ۶۰ مورد سیاستگذاری در حوزه ارزی (۴۰ مورد صدور بخشنامه و دستورالعمل)، دنباله‌روی از قیمت ارز در بازار آزاد، تخصیص ارز به پنج گروه کالایی و سرانجام شدن تقاضای گروه‌های دیگر به بازار غیررسمی، عدم وجود سازوکار نظارت قوی برای کنترل مؤسسات مالی و اعتباری و حتی صرافی‌های بانک‌ها و تلاش این مؤسسات برای حفظ ارزش دارایی‌های خود از طریق اضافه کردن دارایی‌های ارزی به ترکیب دارایی‌های (پورتفوی) خود، تخصیص ارز با نرخ مرجع به کالاهای غیرضروری و لوکس موجب شد در طی حدود دو سال نوسانات نرخ برابری ریال در برابر ارزهای خارجی تشدید شود. در حال حاضر نسبت به تیرماه سال ۱۳۹۰، ریال در مقابل دلار به‌طور رسمی نیمی از ارزش خود را از دست داده است (با در نظر گرفتن نرخ ارز بازار آزاد کاهش ارزش ریال بیش از ۶۰ درصد خواهد بود).

سیاستگذاران پولی کشور و مسئولین قوه مجریه نیز بسته به ابزارهای در اختیار برای کنترل بازار، علائم متفاوتی از خود نشان داده‌اند. گاهی کاهش ارزش پول ملی را طبیعی دانسته‌اند، گاهی تمامی نوسانات را آثار تحریم‌های سیاسی تلقی کرده‌اند و گاهی تقاضاهای سفته‌بازانه و سودجویانه (سازمان یافته و غیرسازمان یافته) را دلیل اصلی این نوسانات اعلام کرده‌اند.

برخی از پیامدهای افزایش قیمت ارز و نوسان‌های شدید فهرست‌وار را می‌توان به‌شرح زیر

خلاصه کرد:

- برهم‌خوردن چشم‌انداز سرمایه‌گذاری مولد و در نتیجه رشد اقتصادی و اشتغال،
- وخامت اوضاع رفاهی خانوارهایی که توان انتقال بار تورمی (به سبب افزایش بهای کالاهای وارداتی و داخلی) را ندارند،
- افزایش هزینه‌های جاری و عمرانی دولت ناشی از افزایش قیمت ارز و تورم ناشی از آن،
- افزایش هزینه فرصت بازپرداخت بدهی‌های خارجی (هر ۱۰۰۰ ریال افزایش نرخ دلار، معادل ریالی هر میلیارد دلار از بدهی‌های خارجی را به اندازه ۱۰۰۰ میلیارد ریال افزایش می‌دهد؛ به بیان دیگر، به‌ازای هر ۱۰۰۰ ریالی که به نرخ دلار افزوده می‌شود، میلیاردها ریال از منابعی که می‌تواند صرف رشد اقتصاد ملی شود، باید صرف بازپرداخت بدهی‌های خارجی گردد)،



- برهم خوردن توازن بین قدرت خرید مردم کشور در مقایسه با قدرت خرید طبقات مشابه شغلی در خارج از کشور و احتمال بروز نارضایتی‌های اجتماعی،
- در عین حال افزایش نرخ ارز می‌تواند موجب ارزان شدن کالاهای ساخت داخل در بازارهای بین‌المللی شود (باید توجه کرد که بخشی از مواد اولیه کالاهای صادراتی از خارج وارد می‌شود که طبعاً با افزایش قیمت ارز گران می‌شود. بنابراین اثر خالص را باید در نظر گرفت تا بیش برآوردی صورت نگیرد).

۸. تجارت خارجی

۸-۱. صادرات قطعی

براساس نتایج حاصل از آمار مقدماتی گمرک جمهوری اسلامی ایران، میزان صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی بدون احتساب میعانات گازی، طی دوازده‌ماهه سال ۱۳۹۱، به ارزش ۳۲۴۵۴ میلیون دلار و مقدار ۶۹۰۸۵ هزار تن بوده است که نسبت به سال قبل از نظر وزنی ۴ درصد افزایش و از نظر ارزشی ۴/۰۴ درصد کاهش داشته است. ضمناً سهم محصولات پتروشیمی از کل ارزش صادرات غیرنفتی (بدون احتساب میعانات گازی) ۳۱/۰۴ درصد بوده است.

همچنین صادرات قطعی با احتساب میعانات گازی طی دوازده‌ماهه سال ۱۳۹۱ شاهد افزایش ۱/۱۷ درصدی در وزن و کاهش ۶/۰۱ درصدی در ارزش دلاری بوده است.

براساس نتایج حاصل از آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود که در سال ۱۳۸۳ میزان صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی بدون احتساب میعانات گازی، طی دوازده‌ماهه سال ۱۳۸۳، به ارزش ۶۸۴۷ میلیون دلار و مقدار ۱۸۰۷۲ هزار تن بوده است که نسبت به سال قبل از نظر وزنی ۱ درصد افزایش و از نظر ارزشی ۱/۶۷ درصد افزایش داشته است.

۸-۲. واردات قطعی

ارزش کل واردات طی دوازده‌ماهه سال ۱۳۹۱، به میزان ۳۹۳۹۱ هزار تن و به ارزش ۴۱۳۹۱ میلیون یورو (معادل ۵۳۳۴۸ میلیون دلار) بوده است که نسبت به مدت مشابه در سال قبل از نظر وزن ۲/۶۴ درصد افزایش و از نظر ارزش ۱۳/۶۹ درصد کاهش داشته است.

ارزش کل واردات طی دوازده‌ماهه سال ۱۳۸۳، به میزان ۳۵۰۷۲ هزار تن و به ارزش ۳۵۳۸۸ میلیون دلار بوده است که نسبت به مدت مشابه در سال قبل از نظر وزن ۰/۳ درصد افزایش و از نظر ارزش ۰/۰۰۴ درصد افزایش داشته است.

تراز بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران (بدون احتساب صادرات نفت خام و سایر موارد مندرج در توضیح کالاهای غیرنفتی) طی دوازده‌ماهه سال ۱۳۹۱ با کسری معادل کسری ۲۰۸۹۴ میلیون دلار و در سال ۱۳۸۳ با کسری ۲۸۵۴۱ میلیون دلار مواجه بوده است.

در مدت مذکور (در سال ۱۳۹۱)، ارزش واردات ۶۲/۱۸ درصد از ارزش کل مبادلات خارجی کشور را به‌خود اختصاص داده است. این نسبت در مدت مشابه سال قبل ۶۴/۶۳ درصد بوده است که گویای بیشتر شدن سهم واردات در تراز مبادلات خارجی کشور است.

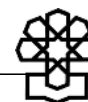
در این مدت تراز بازرگانی خارجی کشور (بدون احتساب نفت، گاز و خدمات) با ۱۰۲ کشور دنیا، منفی و با ۹۵ کشور دیگر مثبت بوده است. پنج کشور طرف معامله با بیشترین تراز تجاری مثبت شامل: عراق، افغانستان، ترکمنستان، هند و پاکستان و پنج کشور طرف معامله با بیشترین تراز تجاری منفی شامل: امارات متحده عربی، جمهوری کره، سوئیس، ترکیه و چین می‌باشند.

طی دوازده‌ماهه سال ۱۳۹۱ متوسط قیمت یک تن کالای صادراتی معادل ۴۷۰ دلار و متوسط قیمت یک تن کالای وارداتی معادل ۱۳۵۴ دلار بوده است که به این ترتیب رابطه مبادله بازرگانی خارجی ایران (نسبت ارزش یک تن صادراتی به یک تن ارزش کالای وارداتی) رقم ۰/۳۵ خواهد بود که نشان‌دهنده پایین بودن ارزش کالاهای صادراتی در برابر ارزش کالاهای وارداتی است.

در سال ۱۳۸۳ قیمت یک تن کالای صادراتی ۳۷۸ دلار و متوسط قیمت یک تن کالای وارداتی ۱۰۰۹ دلار بوده است که به این ترتیب رابطه مبادله بازرگانی خارجی ایران ۰/۳۷ بوده است که گویای بالاتر بودن این نسبت در مقایسه با سال ۱۳۹۱ می‌باشد.

شایان ذکر است که متوسط قیمت یک تن کالای صادراتی (دلاری) در سال ۱۳۹۱ نسبت به مدت مشابه سال قبل با ۷/۶۶ درصد کاهش و متوسط قیمت یک تن کالای وارداتی (دلار) با ۱۵/۹ درصد کاهش در ارزش دلاری مواجه بوده است. در سال ۱۳۸۳ متوسط قیمت یک تن کالای صادراتی نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱/۸۷ درصد کاهش و متوسط قیمت یک تن کالای وارداتی ۱۴ درصد افزایش داشته است.

بررسی اقلام عمده صادراتی در سال ۱۳۹۱ گویای آن است که کالاهایی مانند «متانول (الکل متیلیک)»، «پروپان مایع شده» و «قیرنفت» به‌عنوان اصلی‌ترین کالاهای صادراتی بوده و همین سه کالا حدود ۱۱/۵ درصد صادرات کل کشور را به‌خود اختصاص داده‌اند که حاکی از وابستگی اقلام عمده صادرات به برخی کالاهای تولیدی با منشأ نفتی است که نقش صادرات کالا در صادرات غیرنفتی را کم‌رنگ می‌کند.



براساس آمارهای بانک مرکزی کل تجارت خارجی کشور طی سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۳ حدود ۱۸۸ میلیارد دلار بوده و طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۹۱ حدود ۵۷۶ میلیارد دلار بوده است. به عبارت دیگر ۲/۰۶ برابر افزایش پیدا کرده است.

کل صادرات غیرنفتی کشور طی سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۳ معادل ۳۴/۶ میلیارد دلار بوده که کمتر از ۳۸ میلیارد دلار اعلام شده و در سال ۱۳۸۴ حدود ۱۰/۴ میلیارد دلار بوده، که بیشتر از ۷ میلیارد دلار بیان شده است.

کل صادرات غیرنفتی کشور طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۹۱ بالغ بر ۱۷۱ میلیارد دلار بدون احتساب میعانات گازی بوده است.

طی سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۳ صادرات خدمات فنی و مهندسی ۲/۶ میلیارد دلار بوده که طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۹۱ رقم فوق به ۲۴/۶ میلیارد دلار رسیده است که افزایش زیادی را نشان می‌دهد.

کل صادرات از نظر وزنی طی سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۳ حدود ۱۱۸ میلیون تن بوده است که طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۹۱ رقم فوق به ۳۶۱ میلیون تن رسیده و این یعنی اینکه ۳/۰۵ برابر شده است و اگر فقط میزان افزایش را در نظر بگیریم در این صورت ۲/۰۵ برابر افزایش داشته است.

از نظر ارزشی میزان صادرات طی سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۳ حدود معادل ۳۴/۶ میلیارد دلار و طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۹۱ حدود ۱۷۱ میلیارد دلار بدون احتساب میعانات گازی بوده که ۴/۹۴ برابر شده است.

شایان ذکر است ارزش صادرات در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال قبل حدود ۶ درصد کاهش داشته است درحالی که از نظر وزنی حدود ۱/۲ درصد افزایش داشته است و این نشان می‌دهد که ترکیب صادرات غیرنفتی ما به سمت خام‌فروشی و صادرات با ارزش افزوده پایین‌تر بوده است.

ترانزیت شامل ترانزیت داخلی^۱ و ترانزیت خارجی^۲ از مرز می‌باشد که ترانزیت داخلی نوعی عملیات اداری برای تشریفات ترخیص در گمرکات مختلف محسوب می‌شود. آنچه می‌تواند از نظر درآمدزایی کلان مهم باشد ترانزیت خارجی است که کالای ترانزیت خارجی طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۹۱ حدود ۵۲ میلیون تن بوده است.

مبتنی بر آمار مربوط به ترانزیت خارجی طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۴ رقم فوق ۲۴ میلیون تن و طی سالهای ۱۳۸۸-۱۳۹۱ بالغ بر ۳۱ میلیون تن بوده است که ۱/۲ برابر شده است. نسبت صادرات غیرنفتی

۱. ترانزیت داخلی عبارت از آن است که کالای گمرک نشده از گمرکخانه مجاز به گمرکخانه دیگری حمل و تحویل شود. در این آیین‌نامه گمرکخانه‌های مزبور برای رعایت اختصار به ترتیب گمرک مبدأ و گمرک مقصد نامیده می‌شوند.

۲. ترانزیت خارجی عبارت از این است که کالای خارجی به‌منظور عبور از خاک ایران از یک نقطه مرزی کشور وارد و از نقطه مرزی دیگر خارج شود.

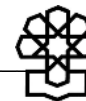
(۱۰۴۷۴۴/۴ میلیون دلار) به واردات (۳۹۲۴۷ میلیون دلار) در سال ۱۳۸۴ حدود ۰/۲۶ بوده است. نسبت صادرات غیرنفتی (۳۱۷۵۲ میلیون دلار) به واردات (۵۱۳۵۹ میلیون دلار) در سال ۱۳۹۱ به ۰/۶۱ رسیده است. با توجه به اینکه صادرات غیرنفتی شامل میعانات گازی و پتروشیمی نیز می‌شود و افزایش قیمت نفت موجب افزایش مشتقات نفتی شده است بخشی از افزایش ناشی از تحولات جهانی بوده است. از سوی دیگر آمار واردات نیز نشان از این دارد که سال ۱۳۹۱ نسبت به ۱۳۸۴ به میزان ۳۰/۸ در صد افزایش یافته که حاکی از وابستگی بیشتر کشور به واردات است.

نسبت صادرات غیرنفتی به واردات در سه‌ماهه اول ۱۳۹۲ نیز به ۰/۸۱ رسیده است. اقلام عمده وارداتی سال ۱۳۹۲ نسبت صادرات غیرنفتی با احتساب میعانات گازی به واردات به ۱/۰۳ رسیده است. اقلام عمده در سال ۱۳۹۱ شامل «دانه گندم»، «شمش آهن و فولاد»، «دانه زرت»، «کنجاله سویا» و «برنج» است که در مجموع بیش از ۱۷ درصد واردات کشور را تشکیل می‌دهند. این موضوع حاکی از وابستگی مواد اولیه صنعتی و کالاهای اساسی به واردات است که مغایر اصول مقاومت در شرایط تحریم است.

۹. بودجه

بررسی روند نوسان متغیرهای بودجه‌ای طی هشت سال اخیر نشان‌دهنده موارد زیر است:

۱. بودجه عمومی دولت بیش از دو برابر افزایش یافته است. اما به‌رغم افزایش حجم بودجه عمومی دولت، قدرت خرید اعتبارات هزینه‌ای و عمرانی دولت در سال‌های اخیر نسبت به سال‌های اول دولت نهم کاهش یافته است. در حقیقت بخش مهمی از افزایش هزینه‌های دولت در اثر تورم مستهلک شده است. به‌عبارت دیگر دولت سبدی از کالاها و خدمات را که در سال ۱۳۸۴ تهیه می‌کرد، با کاهش ارزش پول ملی برای به‌دست آوردن همان سبد باید هزینه بیشتری را بپردازد. از طرف دیگر یکی از نتایج اصلی سیاست مالی انبساطی با توجه به نحوه تأمین منابع لازم از طریق منابع حاصل از نفت، افزایش نرخ تورم بوده است (جداول ۱۴ و ۱۵).



جدول ۱۴. مصارف عمومی دولت به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶

(ارقام به میلیارد ریال)

عنوان	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
اعتبارات هزینه‌ای جاری	۵۴,۱۳۳	۵۷,۱۷۳	۵۸,۰۳۷	۶۷,۳۱۵	۷۲,۴۲۰	۶۷,۴۱۲	۷۶,۵۰۹	۷۰,۲۳۷	۷۰,۱۵۹
تملك دارایی‌های سرمایه‌ای	۲۴,۵۷۵	۲۴,۴۳۴	۲۱,۳۳۸	۳۸,۴۵۷	۴۳,۱۰۷	۳۷,۴۲۳	۴۲,۷۳۴	۳۶,۴۸۲	۳۸,۲۷۲
تملك دارایی‌های مالی	۱۰,۱۳۸	۷,۷۴۲	۷,۸۷۴	۴,۰۸۹	۲,۳۷۴	۷,۹۹۷	۲,۸۹۷	۶,۳۰۷	۷,۸۶۲
ماده (۱۰) قانون تنظیم	۷۲۵	۷,۷۴۲	۱,۶۰۵	۱,۴۰۴	۱,۲۹۵	۹۶۸	۱,۲۷۷	۲,۸۴۷	۳,۳۴۵
مصارف عمومی دولت	۸۹,۵۷۱	۹۷,۰۹۱	۸۸,۸۵۵	۱۱۱,۲۶۵	۱۱۹,۱۹۶	۱۱۳,۷۹۹	۱۲۳,۴۱۷	۱۱۵,۸۷۳	۱۱۹,۶۳۸

۲. در طی سال‌های اخیر به‌طور میانگین حدود یک‌چهارم از منابع بودجه عمومی از مالیات تأمین شده است و مابقی از محل منابع حاصل از صادرات نفت، استقراض و فروش دارایی‌های دولت تأمین شده است (جداول ۱۶ و ۱۷).

۳. کسری بودجه بدون نفت^۱ طی این مدت حدوداً دو برابر شده است، کسری بودجه بدون نفت براساس «نظریه بیماری هلندی» و «نفرین منابع»^۲ پیامدهای زیانبار اقتصادی به‌همراه دارد. تراز عملیاتی^۳ نیز به‌رغم تأکید قوانین برنامه‌های توسعه با کسری رو به تزایدی همراه بوده و حدود چهار برابر شده است (جداول ۱۸ و ۱۹).

۴. اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به‌گونه‌ای بوده است که تاکنون منابع حاصله فقط تکافوی حدود ۵۰ درصد از پرداخت‌های نقدی را کرده است و کسری از محل‌های گوناگون تأمین شده است. طبق گزارش سازمان هدفمند کردن یارانه‌ها تا انتهای تابستان سال ۱۳۹۱، خالص منابع حاصل از افزایش قیمت‌ها حدود ۴۵۲ هزار میلیارد ریال بوده درحالی که حدود ۶۹۳ هزار میلیارد ریال به‌صورت نقدی به خانوارها پرداخت شده است. به‌عبارت دیگر فقط پرداخت نقدی به خانوارها حدود ۲۴۱ هزار میلیارد ریال کسری داشته است که عمدتاً از طریق برداشت از بودجه عمومی جبران شده است (جدول ۲۰).

۱. در کشورهای صادرکننده نفت، کسری بودجه بدون نفت شاخص اصلی تقاضای دولت در اقتصاد است. کسری بودجه بدون نفت در واقع کسری بودجه (مابه‌التفاوت واگذاری دارایی‌های مالی و تملك دارایی‌های مالی) به‌علاوه تمام منابع حاصل از نفت است.

مجموع منابع حاصل از نفت + کسری بودجه = کسری بودجه بدون نفت

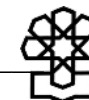
۲. براساس نظریه نفرین منابع درآمدهای نفتی می‌تواند به‌صورت ضدتوسعه عمل کند. این نظریه بر مبنای این شناخت اساسی قرار گرفته است که اقتصادهای فقیر از لحاظ منابع در مقایسه با اقتصادهای ثروتمند از لحاظ منابع عملکرد بهتری داشته‌اند. هرچه کشورها از لحاظ منابع طبیعی ثروتمندتر باشند، اولاً سیاست‌های اقتصاد کلان سست در مدت زمان طولانی‌تری دوام می‌یابند، ثانیاً فشار کمتری برای رسیدن به بلوغ صنعتی سریع وجود دارد، ثالثاً گروه‌های رانتجو در مدت زمان بیشتری تحمل می‌شوند (و آنها ریشه‌دارتر می‌شوند) و رابعاً احتمال کاهش شتاب و نامنظم‌تر شدن رشد اقتصادی بیشتر می‌شود.

۳. تراز عملیاتی تقاضای درآمدها از اعتبارات هزینه‌ای است و در واقع میزان کسری اعتبارات هزینه‌ای که باید از منابع نفتی یا استقراض یا فروش سهام شرکت‌ها تأمین شود را نشان می‌دهد.

۵. وابستگی بودجه عمومی به منابع نفتی در سال ۱۳۸۳ پایین‌ترین رقم در دهه اخیر یعنی ۴۳/۳ درصد بوده است. از سال ۱۳۸۴ وابستگی بودجه به نفت افزایش یافته است. بیشترین وابستگی بودجه به نفت در سال ۱۳۸۵ معادل ۶۹/۶ درصد بوده است و بعد از آن نوسان داشته است. به‌عنوان نمونه در سال ۱۳۸۹ حدود ۵۵/۹ درصد بوده است (جدول ۱۷).

۶. ارقام بودجه (عملکرد) از اهداف و پیش‌بینی‌های سند چشم‌انداز و قانون برنامه چهارم توسعه انحراف معناداری داشته است و تهیه و تصویب برنامه‌های توسعه نیز نتوانسته است مدیریت بخش عمومی را از شرایط روزمرگی خارج کند و تعارض‌ها و ناسازگاری‌های تصمیمات روزمره و کوتاه‌مدت با هدفگذاری‌های برنامه‌های توسعه در اغلب موارد به تغییر هدف‌ها و صورتبندی‌های برنامه‌های توسعه منجر شده است.

۷. حجم تعهدات و بدهی‌های دولت نامشخص بوده است. دریافت‌ها و پرداخت‌های دولت و دستگاه‌های زیرمجموعه آن به‌صورت نقدی ثبت می‌شود یعنی آنکه وقتی پولی ردوبدل شد در حساب‌های دولت درج می‌شود. در عمل دولت با پیمانکاران و فعالان صنعتی روبرو است و با آنها قراردادهایی می‌بندد که وجه آن در زمان تحویل یا در دوره‌های آینده پرداخت می‌شود. به‌عبارت دیگر تعهدی برای دولت ایجاد شده است که وجه آن در آینده باید پرداخت شود و به همین دلیل در حساب‌های نقدی ظاهر نشده است. در حسابداری تعهدی از زمانی که تعهدی برای پرداخت ایجاد می‌شود، در حساب‌ها درج می‌شود. عدم استفاده از نظام حسابداری تعهدی موجب شده است تا حجم زیادی از تعهدات ایجاد شده برای دولت به بخش غیردولتی که در طول زمان انباشت شده است، برای تصمیم‌گیران روشن نباشد و لذا برای پرداخت این‌گونه تعهدات برنامه‌ریزی دقیقی صورت نگیرد.



جدول ۱۵. خلاصه منابع و مصارف عمومی دولت

(ارقام به میلیارد ریال)

عنوان	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
	عملکرد	عملکرد	عملکرد	عملکرد	عملکرد	عملکرد	عملکرد	عملکرد	پیش بینی عملکرد
درآمدها	۲۰۰,۳۷۵	۲۳۱,۱۳۱	۲۹۸,۲۰۳	۳۷۹,۳۷۲	۴۶۰,۷۳۷	۳۸۴,۲۸۹	۵۴۴,۴۷۱	۵۶۸,۲۰۳	۵۹۲,۹۷۱
واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	۱۹۰,۹۶۴	۱۸۲,۷۹۷	۱۹۴,۴۴۳	۲۴۸,۷۴۳	۲۱۴,۴۵۶	۴۸۱,۸۲۶	۶۶۹,۹۲۴	۴۲۸,۵۲۱	۵۵۰,۹۶۷
واگذاری دارایی‌های مالی	۸۳,۳۲۱	۱۶۱,۰۶۱	۱۰۶,۶۱۴	۲۱۸,۲۲۷	۲۲۰,۱۰۴	۷۶,۰۰۶	۷۱,۱۰۶	۶۷,۶۹۷	۷۴,۹۸۸
منابع عمومی دولت	۴۷۴,۶۶۰	۵۷۴,۹۸۹	۶۴۹,۲۶۱	۸۴۶,۳۴۱	۸۹۵,۲۹۷	۹۴۲,۱۲۰	۱,۳۲۸,۵۵۰	۱,۰۶۴,۴۲۱	۱,۲۱۸,۹۲۵
اعتبارات هزینه‌ای (جاری)	۳۳۴,۵۵۴	۴۱۵,۷۸۸	۴۴۰,۹۳۷	۵۹۵,۶۹۶	۶۴۳,۸۱۷	۷۰۵,۳۸۸	۸۲۴,۰۲۹	۸۸۹,۹۹۳	۱,۰۸۵,۰۰۰
اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای	۱۱۰,۷۳۶	۱۳۸,۱۳۸	۱۴۱,۷۰۵	۲۰۳,۷۸۲	۱۷۴,۱۰۱	۱۸۱,۴۰۵	۲۴۹,۱۳۰	۱۵۲,۲۷۸	۵۸,۹۳۷
اعتبارات تملک دارایی‌های مالی	۲۰,۱۰۱	۱۳,۶۳۰	۴۹,۹۷۴	۲۲,۰۳۵	۵۳,۳۱۶	۲۳,۸۸۷	۷,۷۳۸	۳,۵۲۵	۷۴,۹۸۸
اعتبارات بند «۲» قانون بودجه سال ۱۳۹۰							۱۰۰,۰۱۵		
سایر پرداخت‌های مربوط به مفاد ماده واحده و یا مصوبات هیئت محترم وزیران							۶۳,۶۸۲		
ماده (۱۰) قانون تنظیم و پرداخت موضوع مصوبه ۲۲۱۵۶۲/۴۰۹۰۲ در سال ۱۳۸۷	۶,۹۰۲	۷,۴۳۳	۶,۰۴۷	۱۰,۴۱۴	۲۴,۰۷۲	۳۱,۴۴۰	۴۰,۰۶۲		
مصارف عمومی دولت	۴۷۲,۲۹۳	۵۷۴,۹۸۹	۶۳۸,۶۶۳	۸۳۱,۹۲۷	۸۹۵,۳۰۷	۹۴۲,۱۲۰	۱,۲۸۴,۶۵۶	۱,۰۴۵,۷۹۶	۱,۲۱۸,۹۲۵
موجودی حساب درآمد عمومی	۲,۳۶۷	۰	۱۰,۵۹۸	۱۴,۴۱۴	۰	۰	۸۴۵	۱۸,۶۲۵	

مآخذ: گزارش مالی دولت سال‌های مختلف و محاسبات تحقیق.

۱. رقم مربوط به واردات غیرقانونی فرآورده‌های نفتی به دو طرف منابع و مصارف ستون‌های عملکرد اضافه شده است.
۲. اعتباراتی که به استناد مصوبات هیئت وزیران تخصیص یافته است، بنابه اصل ۵۳ قانون اساسی فاقد مجوز قانونی بوده است.

(ارقام به میلیارد ریال)

جدول ۱۶. منابع عمومی غیرنفتی

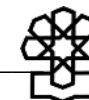
عنوان	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
منابع غیرنفتی	عملکرد	عملکرد	عملکرد	عملکرد	عملکرد	عملکرد	عملکرد	عملکرد	پیش‌بینی عملکرد
درآمدهای مالیاتی	۱۵۸,۳۸۳	۱۷۷,۴۷۰	۲۶۱,۹۳۴	۲۷۵,۵۹۳	۴۲۸,۸۱۸	۴۰۴,۲۱۱	۵۴۶,۲۷۴	۵۷۱,۱۹۸	۶۸۲,۹۵۸
منابع حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی	۱۰۲,۷۰۵	۱۲۵,۴۸۷	۱۶۲,۵۰۱	۱۸۰,۲۲۷	۲۶۳,۳۰۴	۲۷۳,۱۱۷	۳۵۹,۴۶۰	۳۹۵,۱۶۷	۴۳۴,۴۳۱
سایر اقلام منابع غیرنفتی	۵۳,۸۹۱	۵۱,۱۶۵	۶۶,۴۷۷	۸۴,۴۴۱	۱۰۲,۵۸۸	۹۳,۲۹۳	۱۲۸,۲۱۸	۱۱۴,۰۳۱	۱۸۶,۵۲۷
منابع عمومی دولت	۴۷۴,۶۶۰	۵۷۴,۹۸۹	۶۴۹,۲۶۱	۸۴۶,۳۴۱	۸۹۵,۲۹۷	۹۴۲,۱۲۰	۱,۳۲۸,۵۵۰	۱,۰۶۴,۴۲۱	۱,۲۱۸,۹۲۵

(ارقام به میلیارد ریال)

جدول ۱۷. مجموع منابع نفتی در بودجه عمومی ایران در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۰

عنوان	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	پیش‌بینی ۱۳۹۲
منابع حاصل از ارزش صادرات نفت خام (در ردیف‌ها)	۱۶۷,۳۳۴	۱۳۷,۹۲۲	۱۳۹,۶۹۹	۱۴۶,۸۶۶	۱۵۸,۹۹۷	۴۳۴,۴۸۶	۶۱۶,۸۲۸	۴۲۵,۵۲۶	۵۳۵,۹۶۷
مجموع منابع نفتی برای واردات فرآورده‌های نفتی	۳۵,۴۲۶	۴۸,۵۱۹	۵۳,۴۷۲	۶۲,۱۰۶	۵۰,۰۳۴	۴۶,۱۹۶	۰	۰	۰
منابع حاصل از صادرات فرآورده‌های نفتی (سهم دولت)	۰	۰	۰	۰	۶,۶۳۰	۰	۰	۰	۰
مالیات شرکت ملی نفت ایران (درصدی از تولید نفت)	۳۱,۸۶۹	۲۸,۱۶۸	۳۸,۵۱۰	۶۴,۸۶۶	۶۰,۲۸۵	۹۳,۸۲	۰	۰	۰
سهم دولت از سود سهام شرکت نفت (درصدی از تولید نفت)	۲۸,۶۸۲	۴۵,۹۳۱	۶۰,۱۶۲	۷۸,۵۱۲	۹۶,۴۶۲	۱۴۸۰۲	۰	۰	۰
مجموع برداشت بودجه‌ای از حساب ذخیره ارزی	۶۹,۳۸۳	۱۴۲,۵۷۳	۱۰۶,۹۹۴	۲۵۰,۹۷۶	۱۳۳,۱۱۷	۲۱,۶۶۷	۱۰۰,۰۱۶	۰	۰
جمع استفاده از منابع نفت در بودجه	۳۳۲,۶۹۴	۴۰۳,۱۱۳	۳۹۸,۸۳۶	۶۰۳,۳۲۶	۵۰۳,۵۲۵	۵۲۶,۵۳۳	۷۱۶,۸۴۴	۴۲۵,۵۲۶	۵۳۵,۹۶۷
منابع بودجه عمومی (با احتساب واردات فرآورده‌های نفتی)	۴۸۷,۴۰۸	۵۷۹,۵۴۹	۶۴۹,۲۶۱	۸۷۴,۳۰۹	۸۹۵,۳۰۷	۹۴۲,۲۷۰	۱,۲۸۵,۵۰۲	۱,۰۶۴,۴۲۱	۱,۲۱۸,۹۲۶
حداقل درصد وابستگی بودجه به نفت	۶۸/۳	۶۹/۶	۶۱/۴	۶۹/۰	۵۶/۲	۵۵/۹	۵۵/۱	۴۰	۴۴

مآخذ: گزارش‌های عملکرد بودجه وزارت امور اقتصادی و دارایی.



جدول ۱۸. کسری بودجه بدون نفت^۱

(ارقام به میلیارد ریال)

ردیف	عنوان	۱۳۸۴ عملکرد	۱۳۸۵ عملکرد	۱۳۸۶ عملکرد	۱۳۸۷ عملکرد	۱۳۸۸ عملکرد	۱۳۸۹ عملکرد	۱۳۹۰ عملکرد	۱۳۹۱ عملکرد	۱۳۹۲ پیش بینی
۱	منابع غیرنفتی	۱۵۸,۲۸۳	۱۷۷,۴۷۰	۲۶۱,۹۳۴	۲۷۵,۵۹۳	۴۲۸,۸۱۸	۴۰۴,۲۱۱	۵۴۶,۲۷۴	۵۷۱,۱۹۸	۶۸۲,۹۵۸
۲	منابع نفتی	۳۳۲,۶۹۴	۴۰۳,۱۱۳	۳۹۸,۸۳۶	۶۰۳,۳۲۶	۵۰۳,۵۲۵	۵۲۶,۵۳۳	۷۱۶,۸۴۴	۴۲۵,۵۲۶	۵۳۵,۹۶۷
	مجموع منابع عمومی دولت	۴۹۱,۰۷۷	۵۸۰,۵۸۳	۶۶۰,۷۷۰	۸۷۸,۹۱۹	۹۳۲,۳۴۳	۹۳۰,۷۴۴	۱,۲۶۳,۱۱۸	۹۹۶,۷۲۴	۱,۲۱۸,۹۲۵
	مجموع مصارف عمومی دولت	۴۷۲,۲۹۳	۵۷۴,۹۸۹	۶۳۸,۶۶۳	۸۳۱,۹۲۷	۸۹۵,۳۰۷	۹۴۲,۱۲۰	۱,۲۸۴,۶۵۶	۱,۰۴۵,۷۹۶	۱,۲۱۸,۹۲۵
۳	موجودی حساب درآمد عمومی و تنخواه گردان	۲,۳۶۷	۰	۱۰,۵۹۸	۱۴,۴۱۴			۸۴۵		
	کسری بودجه بدون نفت	۳۰۷,۷۴۶	۴۰۲,۳۷۷	۳۷۶,۳۷۴	۵۶۸,۳۰۲	۵۰۰,۱۵۰	۵۶۸,۳۶۱	۸۰۱,۷۵۰	۴۸۹,۶۹۸	۵۳۵,۹۶۷

مآخذ: گزارش مالی دولت، سال‌های مختلف و محاسبات تحقیق.

جدول ۱۹. تراز عملیاتی

(ارقام به میلیارد ریال)

عنوان	۱۳۸۴ عملکرد	۱۳۸۵ عملکرد	۱۳۸۶ عملکرد	۱۳۸۷ عملکرد	۱۳۸۸ عملکرد	۱۳۸۹ عملکرد	۱۳۹۰ عملکرد	۱۳۹۱ عملکرد	۱۳۹۲ عملکرد
درآمدها	۲۰۰,۳۷۵	۲۳۱,۱۳۱	۲۹۸,۲۰۳	۳۷۹,۳۷۲	۴۶۰,۷۳۷	۳۸۴,۲۸۹	۵۴۴,۴۷۱	۵۶۸,۲۰۳	۵۹۲,۹۷۱
اعتبارات هزینه‌ای (جاری)	۳۳۴,۵۵۴	۴۱۵,۷۸۸	۴۴۰,۹۳۷	۵۹۵,۶۹۶	۶۴۳,۸۱۷	۷۰۵,۳۸۸	۸۲۴,۰۲۹	۸۸۹,۹۹۳	۱,۰۸۵,۰۰۰
تراز عملیاتی	-۱۳۴,۱۷۹	-۱۸۴,۶۵۷	-۱۴۲,۷۳۳	-۲۱۶,۳۲۴	-۱۸۳,۰۸۰	-۳۲۱,۱۰۰	-۲۷۹,۵۵۸	-۳۲۱,۷۹۰	-۴۹۲,۰۲۹

۱. رقم مربوط به واردات غیرقانونی فرآورده‌های نفتی به دو طرف منابع و مصارف ستون‌های عملکرد اضافه شده است.

۱. کسری بودجه بدون نفت از طریق اضافه کردن واگذاری دارایی‌های مالی به منابع حاصل از نفت و کسر برداشت از حساب ذخیره ارزی و اعتبارات تملک دارایی‌های مالی و موجودی حساب درآمد عمومی به دست می‌آید.

جدول ۲۰. منابع و مصارف هدفمند کردن یارانه‌ها در فاصله ۱۳۸۹/۹/۲۸ تا ۱۳۹۱/۶/۳۱

(میلیارد ریال)

منابع			
جمع تا ۱۳۹۱/۶/۳۱	شش ماه اول سال ۱۳۹۱ طبق گزارش سازمان هدفمندی یارانه‌ها	از آذر ۱۳۸۹ تا انتهای ۱۳۹۰	
۸۰,۰۰۰		۸۰,۰۰۰	تنخواه از بانک مرکزی
۴۵۱,۷۳۰	۱۲۳,۹۰۶	۳۲۷,۸۲۵	افزایش قیمت کالاها و خدمات مشمول قانون هدفمندی
۱۸۲,۲۵۰	۵۲,۰۱۹	۱۳۰,۲۳۱	از محل بودجه عمومی (ردیف‌های یارانه)
۵۹,۶۰۰		۵۹,۶۰۰	از محل سایر ردیف‌های بودجه عمومی (علی‌الحساب دریافتی از خزانه)
۳۷,۵۴۸	۳۷,۵۴۸		سایر (مانده حساب و برگشتی وجوه)
۶۷۵	۶۷۵		مابه‌التفاوت اختصاص به شرکت آبفا بابت بهینه‌سازی
۸۱۱,۸۰۳	۲۱۴,۱۴۸	۵۹۷,۶۵۶	جمع
مصارف			
۶۹۳,۰۲۳	۲۰۵,۶۳۸	۴۸۷,۳۸۶	پرداخت یارانه نقدی
۲۰,۱۴۱		۲۰,۱۴۱	واریزی به حساب خانوارها در پایان سال ۱۳۹۰ بابت یارانه نقدی نان
۲۲,۲۶۴	۴,۶۹۴	۱۷,۵۷۰	کمک به تولید
۱,۹۵۰		۱,۹۵۰	حق بیمه اقساط آسپ‌پذیر
۱۸,۰۰۰		۱۸,۰۰۰	باز پرداخت تنخواه بانک مرکزی
۱,۱۱۰		۱,۱۱۰	برگشت وجوه مصرف نشده به خزانه (تسویه علی‌الحساب دریافتی از خزانه)
۷۵۶,۴۸۹	۲۱۰,۳۳۱	۵۴۶,۱۵۷	جمع

۱۰. طرح‌های عمرانی

سال‌هاست که طرح‌های نیمه‌تمام به‌عنوان معضلی در نظام بودجه‌ریزی کشور مطرح است. عدم اتمام به‌موقع طرح‌های عمرانی باعث می‌شود که اولاً به‌دلیل تورمی بودن شرایط اقتصادی کشور برآوردهای اولیه برای طرح‌ها هر سال نیاز به بازنگری و پیش‌بینی اعتبارات بیشتر داشته باشد، ثانیاً به‌دلیل تأخیر در بهره‌برداری، منافع طرح با چند سال تأخیر نصیب کشور شود و عملاً کشور را با پدیده سرمایه‌گذاری‌های بی‌بازگشت مواجه کند. ثالثاً به‌دلیل تطویل دوره ساخت، کیفیت ساخت به‌دلیل تغییر عناصر کارفرمایی، مشاوره و پیمانکاران، نوع مصالح و تکنولوژی ساخت حتی مستهلک شدن برخی از سازه‌های اولیه، تحت‌الشعاع قرار بگیرد. یکی از عوامل اصلی بروز پدیده طرح‌های نیمه‌تمام شروع



طرح‌های عمرانی جدید فراتر از توان مالی و اجرایی دولت دانسته می‌شود. در ادامه به وضعیت میزان اعتبار و روند تحقق طرح‌های عمرانی طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۱ پرداخته خواهد شد.

۱-۱۰. روند تحقق خاتمه طرح‌های عمرانی

جدول ۲۱ روند تحقق خاتمه طرح‌های عمرانی طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۱ و میزان تحقق‌پذیری اتمام طرح‌ها را نشان می‌دهد. در واقع جدول ۲۱ نشان می‌دهد که چه تعداد از طرح‌ها در همان سال مورد نظر خاتمه یافته‌اند. همچنین میزان هزینه‌ای که به دلیل خاتمه نیافتن طرح‌ها بر منابع عمومی تحمیل شده است را بیان می‌کند.

مطابق این جدول در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۱ به‌طور متوسط ۴۸۵ طرح باید در هر سال تمام می‌شد، اما فقط ۲۶ درصد از آنها (۱۲۷ طرح) خاتمه یافته‌اند و ۷۴ درصد از آنها خاتمه نیافته و در مجموع هزینه‌ای معادل ۶۳۳,۷۰۲ میلیارد ریال مازاد بر پیش‌بینی قوانین بودجه بر اقتصاد کشور تحمیل شده است. به عبارت دیگر بیش از ۴۰ درصد از اعتبارات اختصاص یافته به طرح‌های عمرانی در طی این دوره بابت هزینه تأخیر در اتمام طرح‌ها بوده است و نه عملیات جدید.

در دوره زمانی ۱۳۸۱-۱۳۹۱، حدود ۱,۴۰۳ طرح با اختصاص حدود ۴۵ هزار میلیارد ریال خاتمه یافته است. بدین ترتیب تنها حدود ۳ درصد از اعتبارات به طرح‌هایی اختصاص یافته است که خاتمه یافته‌اند.

جدول ۲۱. وضعیت میزان اعتبار و روند تحقق خاتمه طرح‌های عمرانی طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۱^۱

(ارقام به میلیارد ریال)

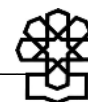
ردیف	شرح	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	جمع	میانگین	
۱	اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (قانون)	۷۲,۶۸۲	۸۵,۲۰۹	۹۹,۱۶۴	۱۳۸,۴۰۹	۱۷۶,۱۰۲	۱۸۴,۴۳۸	۲۵۱,۵۷۴	۲۱۹,۲۵۴	۳۱۶,۹۰۰	۳۴۹,۷۴۹	۳۹۷,۴۵۵	۲,۲۹۰,۹۳۶	۲۰۸,۲۶۶	
۲	اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عملکرد)	۵۴,۰۲۸	۵۷,۷۷۲	۵۷,۵۱۵	۱۱۰,۷۳۶	۱۳۸,۱۲۸	۱۴۱,۶۶۹	۲۰۳,۷۸۲	۱۷۴,۱۰۱	۲۰۶,۴۰۵	۲۴۹,۱۲۹	***۱۱۱,۲۴۳	۱,۵۰۳,۹۶۳	۱۳۶,۷۲۳	
۳	طرح‌هایی که قرار بود خاتمه پیدا کند	تعداد	۲۸۵	۵۳۳	۶۴۷	۱۲۵	۱۴۹	۲۰۷	۳۱۲	۷۴۸	۹۷۵	۷۴۶	۶۱۰	۵,۵۳۷	۴۸۵
		اعتبار	۵,۶۳۵	۷,۳۰۴	۱۸,۲۸۱	۶,۹۶۶	۷,۳۹۴	۹,۲۶۵	۱۷,۴۸۳	۵۲,۳۰۷	۷۳,۵۴۸	۴۵,۱۳۱	۴۹,۱۹۵	۲۹۲,۵۰۹	۲۶,۵۹۱
۴	طرح‌هایی که خاتمه پیدا کرد	تعداد	۹۵	۱۵۷	۳۶۵	۷۳	۴۲	۳۶	۲۱۶	۷۳	۱۹۳	۹۴	۵۹	۱,۴۰۳	۱۲۷
		اعتبار	۶۹۶	۱,۸۷۸	۵,۱۴۲	۳,۲۹۲	۱,۳۲۴	۱,۲۴۸	۸,۴۶۲	۴,۴۵۶	۸,۱۹۸	۶,۳۷۰	۳,۸۶۹	۴۴,۹۳۵	۴,۰۸۵
۵	طرح‌هایی که خاتمه پیدا نکردند*	تعداد	۱۹۰	۳۷۶	۲۸۲	۵۲	۱۰۷	۱۷۱	۹۶	۶۷۵	۷۹۰	۶۵۲	۵۵۱	۳,۹۸۰	۳۶۳
		اعتبار	۱۰,۳۴۲	۱۰,۵۳۳	۸۸,۵۵۷	۱۳,۰۶۵	۱۰,۴۹۴	۱۵,۶۶۶	۸,۸۸۷	۵۵,۳۸۱	۲۵۳,۴۷۸	۱۳۱,۰۵۲	۳۶,۲۴۷	۶۳۳,۷۰۲	۵۷,۶۰۹
۶	طرح‌های جدید**	تعداد	۳۸۱	۱۴۴	۵۷	۵۸	۷۷	۵۷	۹۵	۶۸	۷۷	۱۹۱	۳۹۹	۱,۶۰۴	۱۴۵
		اعتبار	۶,۹۹۹	۳,۰۰۰	۲,۳۲۷	۷,۰۰۱	۳,۷۹۵	۱,۷۷۱	۳,۷۹۳	۳,۵۷۲	۶,۲۸۰	۱۰,۶۶۵	۲۷,۲۹۹	۷۶,۵۱۲	۶,۹۵۵
		اعتبار مورد نیاز سال‌های بعد	۱۳,۸۶۳	۸,۸۲۷	۹,۵۱۵	۲۶,۷۳۳	۱۰,۶۰۸	۲۶,۳۱۷	۴۷,۸۳۱	۴۵,۰۴۵	۵۱,۰۵۷	۵۶,۰۶۲	۱۷۰,۳۹۷	۴۶۶,۲۵۵	۴۲,۳۸۶

* آن نوع از طرح‌هایی که در قانون سال پایان طرح اعلام شده بود ولی در سال جاری نیز همچنان ادامه پیدا کرده است و در پیوست ۱ مجدداً با اعتباری مشخص درج شده است و اعتبارات مندرج نیز جمع اعتبارات سال به‌همراه اعتبارات سال‌های آتی است.

** طرح‌های جدید طرح‌هایی هستند که سال شروع آن با سال مورد بررسی یکی است.

*** رقم برآوردی است.

۱. پیوست شماره ۱ قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱.



۲-۱۰. تغییرات عمده در شاخص‌های طرح‌های عمرانی

مجموع تغییرات شاخص‌های عمده به صورت کل در جدول ۲۲ ارائه شده است. این جدول تصویر کلی مقایسه‌ای از قوانین بودجه ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، لایحه ۱۳۹۲ و قانون ۱۳۹۲ را ارائه می‌دهد.

• سهم اعتبارات عمرانی از بودجه عمومی

همان‌طور که جدول ۲۲ نشان می‌دهد سهم اعتبار طرح‌های عمرانی از بودجه عمومی روند کاهنده داشته و از ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۱۹ درصد در لایحه سال ۱۳۹۲ خواهد رسید.

• سهم اعتبارات طرح‌های ملی از کل اعتبارات عمرانی

در سه سال ۱۳۸۹-۱۳۹۱ روند فزاینده داشته، اما در لایحه سال ۱۳۹۲ پیش‌بینی می‌شود که کاهش یابد.

• سهم اعتبارات طرح‌های استانی از کل اعتبارات عمرانی

در چهار سال ۱۳۸۹-۱۳۹۲ روند فزاینده داشته و برای اولین بار در لایحه سال ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده که سهم اعتبارات طرح‌های استانی بیش از ۲۵ درصد گردد.

• سهم اعتبارات طرح متفرقه از کل اعتبارات عمرانی

این سهم روند کاهنده در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۲ داشته که از نکات مثبت بودجه‌ریزی سال آینده است.

• طرح‌های عمرانی که به موقع به اتمام رسیده‌اند

متأسفانه ظرفیت دولت در اتمام طرح‌های عمرانی به شدت در سال‌های اخیر کاهش یافته است. در سال ۱۳۸۹، ۲۰ درصد از طرح‌ها به موقع به اتمام رسیده‌اند و اما در سال ۱۳۹۱ این رقم به ۱۰ درصد رسیده است. کاهش ظرفیت بهره‌برداری به موقع طرح‌های عمرانی به معنای کاهش ظرفیت اقتصاد کشور در اشتغالزایی و اتلاف منابع اقتصادی است.

جدول ۲۲. مقایسه شاخص‌هایی از قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱،
لایحه ۱۳۹۲ و قانون ۱۳۹۲^۱

ردیف	موضوع	قانون ۱۳۸۹	قانون ۱۳۹۰	قانون ۱۳۹۱	لایحه ۱۳۹۲	قانون ۱۳۹۲
۱	اعتبار طرح‌های عمرانی (هزار میلیارد ریال)	۳۱۷	۳۴۹	۳۹۷	۳۷۲	-
۲	سهم اعتبار طرح‌های عمرانی از بودجه عمومی (درصد)	۲۵	۲۰	۲۴	۱۹	-
۳	سهم اعتبارات طرح‌های ملی از کل اعتبارات طرح‌های عمرانی (درصد)	۴۸	۴۹	۵۸	۵۲	-
۴	سهم اعتبارات طرح‌های استانی از کل اعتبارات طرح‌های عمرانی (درصد)	۱۸	۱۷	۱۹	۲۶	-
۵	سهم اعتبارات طرح‌های متفرقه از کل اعتبارات طرح‌های عمرانی (درصد)	۳۴	۳۴	۲۳	۲۲	-
۶	طرح‌های عمرانی که به‌موقع اتمام یافته‌اند (درصد)	۲۰	۱۳	۱۰	-	-
۷	طرح‌های عمرانی که به‌موقع اتمام نیافته‌اند (درصد)	۸۰	۸۷	۹۰	-	-
۸	هزینه تحمیل شده به بودجه عمومی از بابت عدم اتمام به‌موقع طرح‌های عمرانی در سال قبل (هزار میلیارد ریال)	۴۳	۶۹	۴۵	۳۶	-
۹	هزینه تحمیل شده به کشور از بابت عدم اتمام به‌موقع طرح‌های عمرانی در سال‌های آتی (هزار میلیارد ریال)	۰	۱۸۳	۸۶	۲۰	-
۱۰	طرح‌های جدید (تعداد)	۷۷	۱۹۱	۳۹۹	۱۲	۱۰۹
۱۱	اعتبار طرح‌های جدید در بودجه (هزار میلیارد ریال)	۶	۱۰	۲۷	۱/۳	۲۳
۱۲	اعتبار طرح‌های جدید در سال‌های آتی (هزار میلیارد ریال)	۵۱	۵۶	۱۷۰	۱۴	-

۱۱. بدهی بخش دولتی

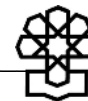
بدهی‌های بخش دولتی

بخش دولتی در ایران از دو نهاد دولت و شرکت‌های دولتی تشکیل شده است. دولت دربرگیرنده وزارتخانه‌ها، ادارات و سازمان‌ها و مؤسساتی که تحت فرمان دولت مرکزی قرار دارند، نهادهای غیرانتفاعی وابسته به دولت و نیز ادارات کل استان‌ها و شهرها و مناطق است (نمودار ۳).

شرکت‌های دولتی شامل شرکت‌هایی است که بیش از ۵۱ درصد سهام آنها متعلق به دولت است و براساس پیوست قانون بودجه به‌عنوان شرکت دولتی شناخته می‌شوند.

بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی شامل کلیه مطالبات سیستم بانکی اعم از وام، تسهیلات، اوراق مشارکت، مطالبات به تعهد دولت و جز اینها است. بدهی بخش دولتی به بخش غیردولتی شامل بدهی دولت به نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی و بخش خصوصی (پیمانکاران و...) است.

۱. با توجه به عدم انتشار پیوست ۱ قانون اطلاعات به‌صورت کامل قابل استخراج نیست.



نمودار ۳. بدهی بخش دولتی



بدهی دولت به سیستم بانکی مربوط به اوراق بهادار دولتی و وام و اعتبار پرداختی به دولت (وزارتخانه‌ها و مؤسسات وابسته به آنها) است. بدهی مؤسسات و شرکت‌های دولتی به سیستم بانکی نیز شامل وام و اعتبار پرداختی به آنهاست.

اطلاعات مربوط به بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی در ایران توسط بانک مرکزی تهیه و در گزارش‌های اقتصادی، نماگرهای فصلی و یا از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی در بخش آمارهای پولی و بانکی منتشر می‌شود. اما اطلاعات مربوط به تعهدات و بدهی بخش دولتی به بخش غیردولتی به‌رغم سازوکارهای متعددی که در بخش دولتی برای ایجاد تعهد برعهده

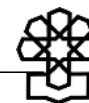
دولت وجود دارد متأسفانه توسط مرجع واحدی تجمیع و منتشر نمی‌شود. در این گزارش صرفاً برای نشان دادن اهمیت موضوع از اخبار منتشر شده در رسانه‌ها استفاده شده است. طبق این اطلاعات که در جدول منعکس شده است، رقمی در حدود ۵۲ هزار میلیارد تومان بدهی به بخش غیردولتی وجود دارد. (جدول ۲۳)

جدول ۲۴ وضعیت بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی به تفکیک بانک مرکزی، بانک‌های دولتی، بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ را نشان می‌دهد. این رقم از حدود ۲۲۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۲ به حدود ۱۲۷۹ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است و رقم بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۱ حدود ۵/۴ برابر شده است.

جدول ۲۳. حجم مطالبات از دولت

محل تسویه	میزان بدهی (هزار میلیارد ریال)	تاریخ	منبع خبر	بدهی دولت به
واگذاری دو معدن	۳۵۰	پایان ۱۳۹۰	رئیس سازمان تأمین اجتماعی (دولت) تصمیم واگذاری معادل برای تسویه گرفته است)	سازمان تأمین اجتماعی
تهاتر با سهام و نفت (بودجه ۱۳۹۲)	۷۰	خرداد ۱۳۹۱	رئیس سندیکای صنعت برق	پیمانکاران برقی و آبی
	۵۰	خرداد ۱۳۹۱	رئیس هیئت مدیره کانون کارفرمایان خدماتی کشور	شرکت‌های خدماتی
	۵۰	خرداد ۱۳۹۱	رئیس جامعه مهندسان مشاور ایران	مشاوران و پیمانکاران در صنعت احداث
	۳۰-۲۰	خرداد ۱۳۹۱	وزیر راه و شهرسازی	پیمانکاران حوزه راهسازی

مأخذ: مصاحبه‌ها.



(هزار میلیارد ریال)

جدول ۲۴. بدهی دولت به سیستم بانکی

عنوان	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱**
بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی	۲۲۲	۲۳۶	۲۳۶	۲۵۶	۲۸۱	۲۹۲	۳۶۵	۵۵۳	۶۷۸	۱۲۷۹
دولت	۱۴۳	۱۴۹	۱۳۶	۱۶۰	۱۸۹	۲۰۷	۲۸۵	۴۶۹	۵۲۸	۶۱۹/۴
شرکت‌ها و مؤسسات دولتی	۷۹	۸۷	۱۰۰	۹۶	۹۲	۸۵	۸۰	۸۴	۱۵۰	۶۵۹/۶
بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی	۱۳۶	۱۳۲/۴	۱۲۳/۲	۱۳۱/۴	۱۳۱/۸	۱۳۰/۳	۱۳۵	۲۲۲/۶	۲۱۸/۹	۷۴۷
دولت	۱۱۷/۱	۱۱۱/۹	۱۰۱/۳	۱۰۴/۱	۹۷/۹	۹۱/۴	۹۲/۲	۱۷۳	۹۳/۹	۱۱۰
شرکت‌ها و مؤسسات دولتی	۱۸/۹	۲۰/۴	۲۲	۲۷/۳	۳۳/۹	۳۸/۸	۴۲/۷	۴۹/۶	۱۲۵	۶۳۷
شامل										۵۷
سازمان هدفمندی یارانه‌ها										
شرکت ملی نفت ایران										۲۲۹
شرکت GTC شرکت بازرگانی دولتی ایران و شرکت دام‌گستر که برای تأمین علوفه دام و...										۸۰
سازمان توسعه برق ایران										۱۷/۸
بانک مسکن										۲۶۲
بدهی بخش دولتی به بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی	۸۵/۹	۱۰۳/۶	۱۱۲/۴	۱۲۴/۸	۱۴۸/۸	۱۶۱/۳	۲۲۹/۷	۳۳۰/۸	۴۵۸/۷	۵۳۲
دولت*	۲۵/۹	۳۶/۸	۳۴/۵	۵۶/۲	۹۰/۸	۱۱۵/۵	۱۹۲/۷	۲۹۵/۹	۴۳۳/۷	۵۰۹/۴
شرکت‌ها و مؤسسات دولتی	۶۰	۶۶/۸	۷۷/۹	۶۸/۶	۵۸	۴۵/۸	۳۷	۳۴.۹	۲۵	۲۲/۶

مأخذ: تا سال ۱۳۹۱ از آمار بانک مرکزی، برای سال ۱۳۹۱ از گفتگوی آقای دکتر بهمنی رئیس کل بانک مرکزی در مطبوعات.

* شامل اوراق مشارکت بخش دولتی می‌باشد.

** بدهی بخش دولتی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی تا پایان آذر ۱۳۹۱ است.

۱۲. نظام اداری کشور

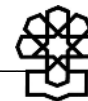
نظام اداری رسالت از قوه به فعل رسانیدن اهداف و سیاست‌های دولت را برعهده دارد و مناسبات و روابط حاکم بر به‌کارگیری منابع فیزیکی، مالی، انسانی، ابزارها و تجهیزاتی که دولت از طریق آن تکالیف خود را برای تحقق اهداف خاص انجام می‌دهد، تعریف می‌کند. بررسی وضعیت نظام اداری کشور بیانگر اشکالات ساختاری است که از آن جمله می‌توان به عدم تفکیک حوزه‌های وظایف دولت، فقدان روحیه نوآوری، عدم تعیین مناسب نقش سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و نظارت دولت، فقدان یک نظام ارزیابی عملکرد جامع، مستمر و نتیجه‌گرا، بی‌عدالتی در نظام پرداخت شاغلان و بازنشستگان، عدم استفاده جامع و فراگیر از فناوری اطلاعات، ابهام در نظام ارتقای مدیریت، فراگیر نبودن قوانین و عدم تناسب نظام پاداش با عملکرد اشاره کرد.

برای اصلاح نظام اداری کشور و رفع مشکلات فوق طی سال‌های اخیر قوانین و مقرراتی همچون قوانین برنامه چهارم و برنامه پنجم توسعه و قانون مدیریت خدمات کشوری به تصویب رسیده است.

قانون مدیریت خدمات کشوری در ۱۵ فصل و ۱۲۸ ماده در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که در فصول مختلف آن با رویکردی جامع، به موضوع نقش، راهبردها و فناوری انجام وظایف دولت، ساختار سازمانی دستگاه‌ها، چارچوب مدیریت منابع انسانی دستگاه‌های دولتی، الگوی جدید حقوق و مزایای کارکنان، نظام انتخاب و انتصاب، نظام ارزیابی و مدیریت عملکرد، تأمین اجتماعی و بازنشستگی توجه شده است.

اهم اهدافی که این قانون دنبال می‌کرد عبارت بودند از:

۱. تعیین و استقرار استانداردها و سنجش‌های عملکرد و مدیریت مبتنی بر عملکرد،
۲. تبیین نقش سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت دولت،
۳. تأکید بر نتایج، بجای فرآیندها و دستورالعمل‌ها،
۴. ایجاد وحدت و یکپارچگی در قوانین و مقررات مدیریت بخش دولتی،
۵. برقراری عدالت و تأمین اجتماعی،
۶. ترویج اخلاق، فرهنگ و مبانی اسلامی و صیانت از هویت ایرانی و اسلامی،
۷. تأکید بر نتایج، بجای فرآیندها و دستورالعمل‌ها،
۸. تبیین رابطه سه‌جانبه حاکمیت، مردم و کارکنان، براساس ارزش‌های اسلامی و قانون اساسی،
۹. تنظیم ضوابط مربوط به حقوق متقابل دستگاه‌های اجرایی و کارمندان،



۱۰. کاهش تصدی‌ها در چارچوب مناسب‌سازی اندازه دولت و پویایی ساختار و تشکیلات با رویکرد توسعه عدالت‌محور،

۱۱. استقرار سازوکارهای نوین مدیریتی در هدایت و راهبری سازمان‌ها (قیمت تمام شده، مشتری‌گرایی، نتیجه‌گرایی و ...)،

۱۲. توسعه مشارکت بخش خصوصی و گسترش ظرفیت جامعه در اداره امور کشور،

۱۳. افزایش نقش سیاستگذاری، هدایت و نظارت دولت.

اهداف مزبور چشم‌انداز بسیار روشنی از آینده نظام اداری کشور را در کنار قوانین برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه ارائه می‌کند. در ادامه میزان این اهداف در قالب چهار موضوع مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

۱-۱۲. استقرار نظام پرداخت

تأخیر در تدوین و ابلاغ آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی قانون مدیریت خدمات کشوری در کنار نقاط ضعف آن موجب شد که اهداف قانون در این بخش محقق نشود. برخی دستگاه‌های اجرایی به دلایل مختلف از همان ابتدا نیز از اجرای قانون سرباز زدند، یا از شمول قانون خارج شدند یا اینکه استثناهایی را به قانون به خصوص در فصل حقوق و مزایا وارد کردند که از جمله می‌توان به:

- مستثنا کردن کارکنان ستادی دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون محاسبات عمومی براساس بند «ب» ماده (۲۰) قانون برنامه پنجم توسعه،

- افزایش ۵۰ درصدی حقوق و مزایای کارمندان قوه قضائیه براساس برداشت خاص از بند «الف» ماده (۵۰) قانون برنامه پنجم توسعه،

- افزایش حقوق کارکنان وزارت کشور بر مبنای مصوبات هیئت وزیران،

- پرداخت فوق‌العاده ویژه موضوع بند «۱۰» ماده (۶۸) قانون مدیریت خدمات کشوری با اعمال تغییراتی در سازوکار و تسهیل شرایط پرداخت آن براساس مصوبات هیئت وزیران، بدین ترتیب قانون مدیریت خدمات کشوری در عمل در استقرار نظام پرداخت ناکام ماند.

۲-۱۲. ساختار و تشکیلات دولت

در حوزه اصلاح ساختار نیز به‌رغم اینکه در فصول دوم و چهارم قانون مدیریت خدمات کشوری احکام جامعی برای متناسب‌سازی نقش و اندازه دولت پیش‌بینی شده بود، اما در عمل صرفاً

براساس ماده (۵۳) قانون برنامه پنجم توسعه برخی وزارتخانه‌ها در یکدیگر ادغام شدند. وزارتخانه‌هایی نظیر وزارت راه و شهرسازی (مصوب ۱۳۹۰/۳/۳۱) از محل ادغام دو وزارتخانه راه و ترابری و مسکن و شهرسازی، تشکیل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (مصوب ۱۳۹۰/۴/۸) از محل ادغام سه وزارت تعاون، وزارت کار و وزارت رفاه و امور اجتماعی و وزارت صنعت، معدن و تجارت از محل ادغام دو وزارتخانه بازرگانی و صنایع و معادن تشکیل گردید و پس از گذشت دو سال اکنون لایحه تعیین وظایف و اختیارات این دو وزارتخانه راه و شهرسازی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی تقدیم مجلس شده است. در شرایطی که ادغام این وزارتخانه‌ها بایستی فرصتی برای کاهش وظایف و اختیارات وزارتخانه‌های ادغامی باشد، متأسفانه لویح حاضر موجب توسعه فوق‌العاده اختیارات و وظایف وزارتخانه جدید و به تبع آن بزرگ‌تر شدن اندازه دولت می‌گردد و اکثر بندهای پیشنهاد شده مشتمل بر الحاق وظایف و اختیارات جدید است که در نتیجه آن هزینه‌های سنگینی به دولت تحمیل می‌شود.

باید توجه داشت بازنگری در ساختار دولت تنها به معنای ادغام و کاهش تعداد وزارتخانه‌ها نیست، زیرا تغییر دادن ترکیب سازمان‌هایی که اساساً غیرارزش‌افزا هستند، لزوماً منجر به بهبود عملکرد آنان نمی‌شود. چنین امری به معنای کاهش حیطه نظارت و تعداد دستگاه‌های زیر نظر رئیس‌جمهور و ازسوی دیگر افزایش حیطه نظارت و وزرای باقیمانده خواهد بود. توجه صرف به کاهش تعداد وزارتخانه‌ها و سازمان‌های متولی امور حاکمیتی بدون توجه به حداقل‌سازی نقش تصدیگری دولت ما را از اهداف اصلی دور خواهد ساخت.

۳-۱۲. دولت الکترونیک

در فصل پنجم قانون مدیریت خدمات کشوری تحت عنوان فناوری اطلاعات و خدمات اداری و مواد (۴۶) تا (۴۹) قانون برنامه پنجم توسعه، احکام جامعی در رابطه با فناوری اطلاعات و بسط خدمات دولت الکترونیک آمده است.

یکی از معتبرترین شاخص‌های سنجش و ارزیابی دولت الکترونیکی شاخص توسعه دولت الکترونیکی^۱ سازمان ملل است که ماده (۴۶) قانون برنامه پنجم توسعه این شاخص را مورد نظر قرار داده است. بر این اساس «شاخص توسعه دولت الکترونیک ایران باید در پایان برنامه در رتبه دوم منطقه قرار گیرد». این شاخص هر دو سال یکبار توسط سازمان ملل متحد منتشر می‌شود. وضعیت دولت الکترونیک کشورهای جهان در گزارش سال ۲۰۱۲ ازسوی این سازمان منتشر شده

1. E-Government Development Index (EGDI)



است. این شاخص از ترکیب سه زیرشاخص «خدمات برخط»، «زیرساخت‌های فناوری اطلاعات» و «منابع انسانی» تشکیل شده است. براساس این شاخص در سال ۲۰۱۲ رتبه کشور در جایگاه شانزدهم کشورهای موضوع سند چشم‌انداز قرار دارد.

زیرشاخص خدمات برخط از ترکیب زیرشاخص‌های کیفیت خدمات برخط تهیه شده توسط دولت‌ها حاصل می‌شود. مطالعه جایگاه ایران در این شاخص می‌تواند عملکرد خدمات الکترونیکی دولتی ایران با دیگر کشورهای منطقه را مقایسه کند. براساس اطلاعات منتشر شده سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۲، ایران از نظر شاخص خدمات برخط بین کشورهای منطقه در رتبه یازدهم قرار دارد.

۴-۱۲. ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد

فصول متعدد قانون مدیریت خدمات کشوری ناظر بر مقابله با فساد و ارتقای سلامت اداری است. فصل سوم که به حقوق مردم توجه داشته است، فصل پنجم مربوط به فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک است که از ابزارها و الزامات مبارزه با فساد تلقی می‌شود، فصل یازدهم در پی استقرار نظام مدیریت عملکرد است که در آن عملکرد سازمان، مدیران و کارکنان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و فصل دوازدهم که حقوق و تکالیف دستگاه‌های اجرایی و کارکنان را هدف قرار داده است، جملگی در پی ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد هستند. در همین حال قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ نیز تکالیف دستگاه‌های اجرایی و نهادهای نظارتی را مشخص کرده است. در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه نظام اداری نیز توجه ویژه‌ای به این امر شده و در ماده (۲۲۱) قانون برنامه پنجم توسعه نیز تشکیل شورای دستگاه‌های نظارتی پیش‌بینی شده است.

فساد اداری موجب اختلال در رشد اقتصادی، ایجاد نظام مالیاتی ناسالم، هدفگیری نادرست برنامه‌های اقتصادی، تأثیر بر دارایی و مالکیت، اختلال در شکل‌گیری سرمایه انسانی، بی‌ثباتی در انباشت سرمایه، رشد ناسالم نقدینگی و در نهایت اختلال در جریان تولید و توزیع ثروت می‌گردد. برآوردها نشان می‌دهد یک واحد افزایش در انحراف استاندارد فساد، سبب ۴/۴ واحد بالا رفتن ضریب جینی می‌شود.

گزارش‌های بین‌المللی حاکی از آن است که در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ نمره شاخص ادراک از فساد در ایران روند نزولی داشته است، بر همین اساس رتبه ایران از نظر این شاخص در بین کشورهای منطقه در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ از ۹ به ۱۲ و در بین کشورهای دنیا از ۷۸ به ۱۶۸ تنزل یافته است. این امر نشان‌دهنده افزایش فساد اداری در ایران طی این سال‌ها می‌باشد.

اما طی سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ مجدداً شاخص ادراک از فساد در ایران روند صعودی یافته است به نحوی که رتبه ایران از نظر این شاخص طی این سه سال در بین کشورهای منطقه از ۱۱ به ۹ و در بین کشورهای دنیا از ۱۴۶ به ۱۳۳ ارتقا یافته است که بهبود نسبی وضعیت کشور را نشان می‌دهد. یکی از دلایل عمده ارتقای این شاخص تأکیدات مقام معظم رهبری به خصوص در سال‌های اخیر و به دنبال آن اجرای قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ بوده است.

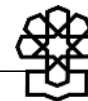
۵-۱۲. طرح مهرآفرین و بار مالی آن

مصوبه هیئت وزیران تحت عنوان «طرح مهرآفرین» به شماره ۱۹۴۴۴۱/ت/۴۸۷۰۲ هـ مورخ ۱۳۹۱/۹/۳۰ جهت ارائه تصویری دقیق از نظام اداری کشور شایسته توجه ویژه است. این مصوبه در راستای اعطای مجوزهای استخدامی، تفویض اختیارات اداری و استخدامی و امور برنامه و بودجه به بالاترین مقام دستگاه‌های اجرایی، وزرای دادگستری و کشور، استانداران و معاونین توسعه مدیریت و منابع انسانی آنان و مدیران ملی و استانی به تصویب رسیده است.

این طرح شامل یک مجموعه مقررات، دستورالعمل‌ها، مجوزهای استخدامی، اعطای اختیارات خاص و بدیع به مقامات ملی و استانی در زمینه قوانین و مقررات اداری و استخدامی، تمرکززدایی از نظام اداری و مالی کشور و تفویض اختیارات موضوع اصول یکصد و بیست و ششم و یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی به بالاترین مقام دستگاه اجرایی و استانداران و معاونین توسعه مدیریت و سرمایه انسانی آنهاست.

براساس این مصوبه ۳۹۰,۴۳۱ مجوز استخدامی در اختیار دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی قرار داده شده است. همچنین ۱۶۰,۰۰۰ شماره مستخدم برای مستخدمین و اعضای هیئت علمی وزارتخانه‌های علوم و تحقیقات و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در نظر گرفته شده است.

اگرچه طرح مهرآفرین توسط هیئت تطبیق قوانین مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و در موارد متعدد مغایر قانون اساسی و قوانین موضوعه نظیر قانون پنجم توسعه و قانون مدیریت خدمات کشوری تشخیص داده شد، اما دولت با اصلاحاتی که در طرح مهرآفرین اعمال کرد مدعی شد اشکالات و ایرادات طرح را برطرف کرده است، لکن هیئت تطبیق قوانین مجلس مجدداً به اصلاحیه‌های هیئت وزیران ایراد گرفت و این اصلاحات را رافع اشکالات و ایرادات و مغایرت‌های قانونی طرح ندانست. به‌رغم نظر مجدد هیئت تطبیق، سخنگوی دولت و معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور اعلام کردند که این طرح جهت اجرا به دستگاه‌های اجرایی



ابلاغ شده است.

بررسی‌ها و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اجرای این مصوبات به شکل فعلی در سال پایانی دولت دهم، تحولی عظیم را در نظام‌های اداری و مالی کشور و قواعد و مقررات حاکم بر آن به وجود خواهد آورد. تحولاتی که بدون شک می‌تواند آثار و تبعات بعضاً غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل جبرانی را به همراه داشته باشد.

با توجه به اینکه منابع مالی مصوبات مذکور به‌ویژه طرح مهرآفرین (اعطای ۳۹۰,۴۳۱ مجوز استخدامی به دستگاه‌های اجرایی در سطح ملی و استانی) و مصوبه پرداخت فوق‌العاده ویژه در بودجه سال ۱۳۹۲ پیش‌بینی نشده و در شرایطی که دولت با کسری منابع بودجه مواجه است، مصوبه مزبور سالیانه بالغ بر ۱۵ هزار میلیارد تومان بار مالی به دولت تحمیل می‌کند و دولت جدید را با چالش‌های اساسی در تأمین منابع این مصوبه مواجه می‌سازد. این درحالی است که افزایش حقوق کارکنان قوه قضائیه نیز از سال ۱۳۸۹ تاکنون بار مالی قابل توجهی را به نظام اداری کشور وارد کرده و هر سال بر میزان آن افزوده می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مباحث مطرح شده در این گزارش بیانگر آن است که وضعیت اقتصاد کلان کشور با منابع صرف شده متناسب نیست. در واقع، عملکرد اقتصاد کلان کشور در دوره ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲ در قیاس با منابعی که استفاده شده است (به‌ویژه منابع ارزی) شکاف قابل توجهی با وضعیت مطلوب دارد. اگرچه این مشکل در دوره دولت‌های نهم و دهم تشدید شده است، ولی ویژگی و مشخصه بلندمدت اقتصاد کلان کشور است. عوامل مختلفی (سیاسی، اجتماعی، تاریخی، شرایط بین‌الملل و عوامل محیطی) در عملکرد نامناسب اقتصاد کلان کشور دخیل بوده‌اند. اگرچه اقدامات اصلاحی دولت‌های وقت بیشتر بر عوامل فنی و اجرایی متمرکز بوده، ولی ریشه اصلی عملکرد ضعیف اقتصاد کلان کشور عوامل نهادی و ساختاری (عوامل بنیادی) است. این کاستی رویکردی در برخورد با مشکلات موجب شده است که تلاش‌های دلسوزانه و پیگیری که برای بهبود عملکرد اقتصاد کلان کشور شده است، چندان اثربخش نباشند. در بهترین حالت، دولت‌های وقت توانسته‌اند تهدیدها و فرصت‌هایی که برای کشور ایجاد شده‌اند را بهتر مدیریت کنند و مسائل بنیادین ساختاری و نهادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

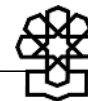
همان‌طور که مباحث ارائه شده در این گزارش نشان می‌دهد، برخی دولت‌ها تلاش کرده با استناد به آمارهای خاص و موردی مربوط به سطح خرد یا در بهترین حالت مربوط به یک بخش

اقتصاد، عملکرد خود را نسبت به دولت‌های دیگر بهتر نشان دهند. با وجود این، به دلیل مخدوش بودن آمارها و همچنین ناقص بودن معیارها و شاخص‌های ارزیابی، این ارزیابی‌ها گمراه‌کننده بوده و از وجاهت علمی کافی برخوردار نیستند.

از نظر منطق اقتصادی، اگر یک بخش یا یک بنگاه کارکرد خوبی داشته باشد، نمی‌توان نتیجه گرفت که وضعیت کل اقتصاد مناسب باشد. در واقع، از روی رفتار یک یا چند بخش نمی‌توان حکم به عملکرد خوب کل اقتصاد یک کشور داد. با این همه، چون سطح حضور دولت‌ها کلان است، لذا ارزیابی‌های مربوط به عملکرد آنها نیز باید در سطح کلان انجام شود. در حالت کلی، ارزیابی عملکرد دولت‌ها را می‌توان بر این اساس انجام داد که دستاوردهای اشاره شده (مثلاً افزایش نرخ رشد اقتصادی و یا بهبود توزیع درآمد) با صرف چه منابعی (ارزی) حاصل شده است. برای مثال، تحلیل‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که در دوره ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲ به‌طور متوسط به ازای هر یک درصد رشد اقتصادی در هر سال، ۲۲/۸ میلیارد دلار هزینه شده است، در حالی که این رقم برای دوره ۱۳۷۶ - ۱۳۸۴ معادل ۴/۵ میلیارد دلار بوده است. شاید مناسب باشد ببینیم که دولت‌های سرکار تا چند اندازه از قوانین و رویه‌های رسمی پذیرفته شده عدول کرده‌اند و تا چه اندازه فرآیندهای اداری جا افتاده و صحیح را عوض کرده‌اند.

نکته دیگر آن است که آمارهای رسمی به تنهایی گویای تمام واقعیت‌های کشور نیست. به‌علاوه، با توجه به این واقعیت که نتیجه سیاست‌های دولت‌ها سال‌ها بعد نمایان خواهد شد و نمی‌توان تأثیر سیاست‌های آنها را به‌طور خالص نشان داد و عملکرد اقتصادی یک دولت لزوماً نتیجه سیاست‌های اتخاذی در یک دوره زمانی نیست، لذا نمی‌توان با استناد به چند آمار و اطلاعات حکم به عملکرد واقعی آنها داد و بر برتری عملکرد یکی نسبت به دیگر تأکید کرد. همچنین، داده‌ها و آمار در برخی موارد چندان قابل اعتماد نیستند. برای مثال، رقم صادرات غیرنفتی طبق اعلام گمرک کشور با ارقام ثبت شده در نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی بیش از ۳۰ درصد اختلاف دارد. همچنین، براساس آمارهای رسمی منتشره شده، در طول سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ خالص تقاضای نیروی کار حدود ۷۰ هزار نفر و در هر سال بالغ بر ۱۴ هزار اضافه شده است. این در حالی است که با توجه به رشد تولید ناخالص داخلی، سطح سرمایه‌گذاری و اختصاص اعتبارات ریالی و ارزی به پروژه‌های عمرانی و کارگاه‌های تولیدی قطعاً بیش از این تعداد شغل در کشور ایجاد شده است.

بنابراین، چون روش واحدی برای مقایسه عملکردهای دولت‌های مختلف احصا نشده است، لذا ارزیابی‌ها می‌تواند مورد مناقشه باشند. بر این اساس، باید با داده‌ها و معیارها باید با احتیاط بیشتری برخورد کرد. بسیاری از سخنرانی‌ها و اظهارنظرهای مقامات در رسانه‌ها از وجاهت علمی

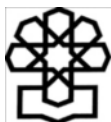


کافی برخوردار نیست و اعتبار ندارد. برای ارزیابی عملکرد دولت در هر برهه زمانی به:

الف) معیارهای استاندارد که بتواند تفاوت در عملکردها را به دقت نشان دهد،

ب) یک نظام اطلاعاتی درست و شفاف نیاز است.

متأسفانه در ایران نظام اطلاعات یکپارچه‌ای وجود ندارد، نظام اطلاعاتی هم مخدوش است و کارکرد مورد انتظار کارشناسان را ندارد. اطلاعات تفصیلی در مورد بسیاری از متغیرها و شاخص‌ها در کشور ارائه نمی‌شود، در مواردی نیز این اطلاعات تنها برای یک دوره مشخص و محدود وجود دارد. بر این اساس، نمی‌توان مشخص کرد اولویت‌های سیاستی کشور برای هر دولت چه بوده و تا چه حد در دستیابی به آنها موفق بوده است. نتیجه آنکه، تا زمانی که نظام اطلاعات یکپارچه‌ای از بخش‌ها و حوزه‌های مختلف ایجاد و نظام اطلاعاتی کشور شفاف و دقیق نشود، امکان ارزیابی دقیق عملکرد دستگاه‌ها و دولت‌های حاکم در کشور وجود نخواهد داشت و هر گونه ارزیابی آسیب‌پذیر و چالش‌برانگیز خواهد بود. در غیر این صورت دولت‌های حاکم در کشور نخواهند توانست اولویت‌های سیاستگذاری خود را تعیین کنند و به‌طور دقیق به پیش ببرند. کارشناسان نیز نمی‌توانند ارزیابی درستی از عملکرد اقتصاد کلان دولت‌ها (با ملاحظه منابع در دسترس، شرایط و الزامات محیطی داخلی و بین‌المللی) داشته باشند.



شماره مسلسل: ۱۳۱۲۵

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی وضعیت برخی متغیرهای اقتصاد کلان ایران (حوزه‌های
فرابخشی) (ویرایش دوم)

نام دفاتر: مطالعات برنامه و بودجه، مطالعات اقتصادی، گروه مطالعات محیط کسب و کار

جمع‌بندی: رضا زمانی

تهیه و تدوین‌کنندگان: گروه کارشناسان

ناظران علمی: سیداحسان خاندوزی، محمد قاسمی

متقاضی: کاظم جلالی (رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۶/۱۶